مدیریت انتقادی

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

مدیریت انتقادی

نویسنده:

www.modiryar.com

ناشر چاپی:

www.modiryar.com

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مدیریت انتقادی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: مدیریت انتقادی/ www.modiryar.com

ناشر: www.modiryar.com

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه , رایانه

موضوع:مدیریت - انتقادی

الگوی خوبی برای تفکر انتقادی

کانت الگوی خوبی برای تفکر انتقادی است.تفکر کانت اساسْسنت شکن است. Immanuel Kant (۲۲ April ۱۷۲۴ – ۱۲ February ۱۸۰۴) was a German philosopher from Königsberg in East Prussia (now Kaliningrad, Russia). He is regarded as one of the most influential thinkers of modern Europe and the last major philosopher of the Enlightenment

مهربونی

چه خوش بی مهربونی هر دو سر بی که یک سر مهربونی دردسر بی Kindness is considered to be one of the Knightly Virtues, and is a recognized (value in many cultures and religions (see ethics in religion

دبلیو بوش

به ، ۱۲ دی ۱۳۸۷ ، ۲۳:۲۲ بوش بابا بی خیال جنگ !! !! please.. stop war

ازدواج

جشنبه ، ۱۲ دی ۱۳۸۷ ، ۲۳:۲۶ ازدواج هر روز سخت تر از دیروز! ازدواج نمی کنم ،مگه زوره؟ A marriage is an interpersonal relationship with governmental, social, or religious recognition, usually intimate and sexual, and often created as a contract. The most frequently occurring form of marriage unites a man and a woman as husband and wife

داماد

ـاد !!! "هیچی نشدیم ، حتی "داماد !!! "Bridegroom" من باید چه کار کنم تا پیشرفت کنم و یه چیزی بشم!!؟؟ باید چی داشته باشم تا به منم زن بدند؟؟!!

برخورد با بی حجابی

veil الو مامانی !! اینا می گن حجابتو رعایت کن .حجاب یعنی چی؟؟!!

شاهکار مدیریت

برکناری محمد حسن انصاری فرد و حبیب کاشانی از پرسپولیس ؛ در عصری که شایستگان مدیریت ورزشی را در مسلخ سیاست سرمی برند.

حرکت فرهنگی

یک جای دنیا به زور با حجابی ... !!! یک جای دنیا به زور بی حجابی ...!!!

هاشمی رفسنجانی

Hashemi Rafsanjani پس درسته می گن آقای هاشمی اصلاح طلبه ..!!!

تست

تست:کدامیک بداست؟ الف:سگ بازی□ ب:بی حجابی□ج:هردومورد□د:هیچکدام بدنیست□

انتخابات فرانسه

FRANCE PRESIDENT سارکوزی ۵۲ ساله بالاخره به آرزوش رسید.اونم باچه محبوبیتی!!طفلی سگولن رویال

شنا

S w i m شنا از جمله ورزشهائی است که پیامبر اعظم(ص)برآموختن آن تأکید فرموده اند. نیک اندیش: اما یه سوال ؛برای آموزش همگانی این ورزش کاری انجام شده است؟

بیشترین آمار سرقت

مشخص شد پژو، پراید و پیکان بیشترین آمار سرقت را در بین خودرو های پایتختدارا هستند.سرهنگ سلطانی گفت: دلیلش فراوانی آنها نسبت به سایر خودرو ها و همچنین نداشتن تجهیزات ایمنی این خودروها و نقاط ضعفشان در هنگام تولید است به همین دلیل سارقان به سراغ این خودروها میروند زیرا سرقت آنها نسبت به بقیه خودروها سهل الوصول تر است .به نقل از:(nopa.blogfa.com) نیک اندیش :چه خوب میشه سمند هم به این جمع اضافه کنند !!!

سنگ صبور

.... fellow – feeling در این دنیای پرآشوب یافتن سنگ صبوری برای ملامت مصائب زندگی و برانگیختن احساس همدلی و

همدردی کاری است بس سخت و نا ممکن چه اینکه همه بدنبال سنگ صبوریم و یافت می نشود

قدرت انتقــاد ســازنده

نوشته: پروفسور هندری وایزنینگر

ترجمه: دکتر سید مهدی الوانی، محمدرضا ربیعی مندجی

گرد آوری: مهدی یاراحمدی خراسانی

POWER OF CRITIC

مقدمه:

انتقاد؛ پیچیـده، مهم و ضروری است. باید به یاد داشت که هیچ شغلی، از انتقاد معاف نیست. انتقاد در کار، وجه مشترک همه‌ی ما است که نتایج مطلوب تر را همراه دارد.

انتقاد وسیله‌ای است برای انگیزش، آموختن، توسعه، آموزش و ایجاد روابطی قوی، تبادل اطلاعات، تاثیر گذاشتن و برانگیختن. برای بهره‌مندی از نتایج سحرانگیز" انتقاد، "شیوه‌ی عملی آن را در قالب بیست توصیه تنظیم و جهت استفاده تقدیم می‌دارد. اول: استقبال از انتقاد: هر شغلی، انتقاد به همراه دارد . فرقی نمی‌کند که شما رییس جمهور، معلم، بانکدار و یا مامور دولتی باشید. کار شما به هر حال انتقاداتی در پی داشته و شما باید با روحیه‌ای مثبت از انتقاد استقبال کرده و از آن در جهت بهبود کار خود استفاده کنید. انتقاد تنها کلمه ای است که مفهوم ارزیابی را نیز در بردارد. بنابراین انتقاد یعنی انتقال نتایج ارزیابی. تمرین برای انتقادپذیری: در قدم اول یک عبارت مثبت درباره‌ی انتقاد را روی کارت بنویسید و آن را در جایی قرار دهید که در دید شما باشد. هر بار که شما و دیگران آن را ببینند باعث می‌شود دیدگاه مثبت شما درباره‌ی انتقاد تقویت شود؛ جملاتی از قبیل انتقاد اطلاعاتی است که باعث رشد من می‌شود، انتقاد مهارت‌ها و دانش مورد نیاز را به من آموزش می‌دهد. قدم دوم کمی مشکل، اما بسیار با ارزش تر است. شما باید از دیگران بخواهیداز شما انتقاد کنند.صادقانه از آنان بپرسید؛ به نظر آنان شما چگونه می‌توانید کارهایتان را بهتر انجام دهید.

دوم: به طور استراتژیک انتقاد کنید: قبل از اینکه انتقاد کنید، این سوالات را ا ز خود بپرسید: دقیقاً چه چیز را می‌خواهم بیان کنم؟ چه چیز را می خواهم تغییر دهم؟ انگیزه ومحرک من برای بیان این انتقاد چیست؟ چه راه حل‌ها و اهداف خاصی را می‌توانم ارایه کنم؟ در مورد موقعیت‌های غیر قابل پیش بینی که نیاز به عکس العمل‌های فوری دارد، چه باید کرد؟ قبل از انتقاد کردن از زیر دست یا همکار، این سوال استراتژیک را ازخود بپرسید: «چگونه این اطلاعات را مطرح کنم که او پذیرای آنها باشد؟»

سوم: بهبود گرا باشید: دو روش برای انتقاد بهبود گرا: اول، شما نوک پیکان انتقاد را متوجه آینده کنید. به جای اینکه به کارآموز خود بگوید: « در ارایه داده ها عملکرد ضعیفی داشتی»، بگویید: «دفعه‌ی بعد برای نمایش اطلاعات از اورهد استفاده کن». روش

دوم: پیامی دهید که باعث تقویت اعتماد به نفس او شود؛ «اطمینان دارم که موفق می‌شوی». با این ذهنیت، کارآموز به جای این که از عملکرد گذشته‌ی خود دفاع کند، با تمام انرژی برای بهبود عملکرد آتی خویش تلاش می‌کند و ماهیت انتقاد به جای سرکوب گرا، بهبود گرا می‌شود.

چهارم: حفظ خودباوری: چگونه می‌توانید هنگام انتقاد از فردی، مراقب احساس خود باوری او نیز باشید؟ اولاً-"، از کلمات و انتقادات سرزنش آمیز استفاده نکنید، که بدون شک تحقیرآمیز تلقی خواهد شد و شانس کمی برای درک مثبت آن باقی می‌ماند. ثانیاً، با حفظ خود باوری فرد، می‌توانید از شخصیت او دفاع کنید. بجای استفاده از عبارت های؛ درست/غلط/ امکان ندارد، عباراتی مانند"، شاید شما از این مطلب اطلاع نداشتید ("،حتی اگر فکر می‌کنید که اطلاع داشته است)، استفاده کنید. تصور او از شما به عنوان مرجعی قابل اطمینان که نظریاتش شایسته توجه و دقت است، تغییر پیدا می کند. متعاقباً او از انتقادات بعدی با آغوشی باز استقبال می‌کند.

پنجم : کلمات صحیح انتخاب کنید: در درجه‌ی اول اطمینان حاصل کنید آنچه را که می‌گویید، همان چیزی است که در ذهن دارید. در بسیاری از مواقع، تغییر جزیی کلمات، باعث تفاوت‌های بزرگی می‌شود. اگر هنگام انتقاد بگویید"؛ کار شما زیر استانداردهای ماست، "به طور قطع باعث بیدار شدن حس دفاعی او می‌شود. در حالی که اگر بگویید"؛ کار شما فقط کمی با استانداردهای ما تفاوت دارد، "این حالت را به وجود نمی‌آورد. به جای «هرگز یا همیشه»، پیشنهاد می شود؛ « گاهی اوقات» استفاده شود. کلمه‌ی دیگری که نتایج مخرب در پی دارد، عبارت « باید» می‌باشد. کلمه‌ی « می‌توانی» را آزمایش کنید.

ششم: انتقادات خود را نقد کنید: فقط به دلیل این که چون انتقاد، اطلاعات با ارزش را دراختیار شمار قرار می‌دهد و با استفاده از آن‌ها می‌توانید خود و کار خویش را بهبود بخشید، نمی‌توانید هر انتقادی که به شما وارد می‌شود را به کار ببندید. از سوی دیگر، فقط چون یک انتقاد خاص، احساسات شما را خدشه‌دار ساخته است، دلیل نمی‌شود که شما فوراً هر انتقادی را نادیده بگیرید. به هر حال اگر درباره‌ی انتقاد درست فکر کنید، انتقاد می‌تواند برای شمار بسیار مفید واقع شود.

بنابراین برای دست‌یابی به یک نقد سازنده درباره‌ی انتقاد، شایسته است ویژه گی‌های زیر را در نظر داشت:

۱- باید به خاطر داشته باشید که اهمیت انتقاد همواره ثابت نیست، بلکه با توجه به نیاز شما و نیاز دیگران و محیطی که انتقاد در آن ارایه شده است، تغییر می کند.

۲- به یاد داشته باشید که علاقه‌ی شما نسبت به یک فرد، نشانه‌ی صلاحیت او برای انتقاد از کار شما و همچنین احساسات منفی شما نسبت به یک مشتری یا همکار، دلیل مناسبی برای نادیده گرفتن گفته‌های آنان تلقی نمی‌شود.

۳- پاسخ دادن به جملاتی که متأثر از جوّ احساسی است، فقط وضعیت را وخیم‌تر می کنند.

هفتم: مخاطب خود را در فرآیند انتقاد شرکت دهید: شرکت دادن مخاطب در فرآیند انتقاد و ارتباط متقابل و با روشی مثبت ، یک هم افزایی synergy به دنبال دارد. مثلاً ممکن است شما به جای صدور دستوراتی مبنی بر انجام یا عدم انجام کار، با دستیار خود در حل موقعیت مورد انتقاد، همکاری کنید . با استفاده از تکنیک پیش‌بینی و بکار بردن جملاتی نظیر « این نظر من است . البته می دانم که ممکن است نظر شما متفاوت باشد، خوب مسئله‌ای نیست، و شاید هم موافق باشید»، اورا در انجام تغییرات کمک کنید.

هشتم: بدون(هیچ و اما)، شایستگی‌ها را متذکر شوید: انتقاد یعنی ارزش یابی شایستگی‌ها و عدم شایستگی‌ها. با بکار بردن کلمه‌ی « اما» در ابتدای سخن، تاثیر عبارت مثبت را از بین خواهید برد. در حالی که کلمه‌ی «اما» تاثیر منفی بر پیام قبل از خود می گذارد، حرف «و» تاثیر مثبت به دنبال خواهد داشت. مخاطب شما به جای اینکه فکر کند؛ «من شکست خورده ام» به خود می گوید «نکات مثبت فراوانی در کار من وجود دارد و اگر برخی چیزها را هم درست کنم، عملکرد من بهتر خواهد شد». گرچه استفاده از حرف « و» به جای« اما» تغییر کوچکی به نظر می‌رسد ولی تاثیرات آن در درازمدت، پر قدرت است.

نهم: به آن‌ها بگویید که چه چیز می‌خواهید: با ارایه‌ی یک انتقاد روشن، می‌توانید مخاطب خود را در اصلاح رفتار و نحوه‌ی عملکرد کمک کنید. این توصیه می‌تواند برای مخاطب یک پیام مشخص و روشنی داشته باشد": اگر لغو جلساتت را به دقایقی قبل از شروع جلسه موکول نکنی و سهم خود را در کار به موقع انجام دهی و در مورد تلاش دیگران مثبت‌تر قضاوت کنی، می‌توانی روابط خود را با همکارانت بهبود بخشی. "

دهم: وقت‌شناس باشید: چه زمانی برای انتقاد مناسب ترین است؟ آیا بهتر است در خلوت انتقاد کنیم یا در جمع؟ چقدر باید منتظر بمانید تا زمان انتقاد فرا رسد؟ هیچ گاه با عصبانیت از کسی انتقاد نکنید. زیرا ممکن است انتقاد شما تحت تاثیر احساسات قرار گیرد.، وقتی احساس شود پشت انتقاد مطرح شده محرک‌های احساسی و عصبانیت شدید وجود دارد، از درجه‌ی اعتبار ساقط شده وتاثیر خود را از دست می دهد. هیچ گاه افرادی را که عصبانی هستند مورد انتقاد قرار ندهید.عصبانیت باعث تغییرات فیزیولوژیکی در مغز شده و در نتیجه از عقیده‌ی خود سرسختانه دفاع می‌کند. از خود بپرسید، آیا این مناسب‌ترین زمان برای انتقاد است؟ آیا ضروری است که آلان انتقاد کنم؟ آیا او شرایط روحی مناسبی دارد؟ پاسخ این پرسش‌ها به شما کمک می‌کند تا وقت شناس شوید.

یازدهم: از سوالات سقراطی استفاده کنید: برای تشویق مخاطب به منظور یافتن جواب از روش پرسیدن سوال استفاده می‌شود. هنگامی که افراد راه‌حل‌ها را خودشان پیدا می‌کنند، اعتماد به نفس آن‌ها تقویت شده و احساس شایستگی و قدرت می‌کنند. حُسن دیگر آن این است که چون مخاطب، راه حل خود را اجرا می‌کند، احتمال اینکه اقدامات مورد نیاز بعدی را نیز دنبال کند افزایش می یابد.

دوازهم: وقتی کلمات کار ساز نیستند: وقتی رفتار مورد انتقاد حتی با وجود انتقادات دایم تکرار می‌شود. به جای آنکه چیزی بگویید، کاری انجام دهید:

۱- مشخص کردن انتقاداتی که به طور دایم بیان کرده‌اید.

۲- رفتاری را در پیش بگیرید که مخاطب را مجبور به تغییر کند.

۳- در اقدامات خود، استمرار داشته باشید.

۴- اگر مشکل همچنان حل نشده باقی ماند، رفتار دیگری را به کار گیرید.

سیزدهم: از انتقادات خود بهره ببرید: از انتقادات شتاب‌زده دوری کنید. از تجربیات گذشته به عنوان پایه و معیار استفاده کنید. اگر توقع دارید که فروشندگان شما میزان فروش رادر سال آینده ۳۰ درصد افزایش دهند، ولی تجربیات قبل نشان می‌دهد که بهترین میزان افزایش فروش ۲۰ درصد بوده است، بنابر این شما انتقاد خود را بر اساس یک توقع غیر معقول بنا کرده‌اید .

چهاردهم: تصدیق کنید که انتقاد، امری ذهنی است: اگر شخصی در جواب انتقاد شما گفت «این عقیده‌ی شما است»، لطفا به نظر او احترام بگذارید. حتی اگر بر یک واقعیت عینی استوار باشد، این ارزیابی ذهنی شماست که مسئول قضاوت درباره‌ی اهمیت یک روش یا رفتار خاص است. بطور مثال، «کار تو باید بهتر انجام شود» یا «تو به آن خوبی که باید باشی نیستی» و... تمام این انتقادات به عنوان واقعیت مطرح شده است؛ در حالی که آن‌ها صرفاً قضاوت شما هستند. ممکن است دیگران درباره‌ی همان موضوعات، قضاوت‌های دیگری داشته باشند.

پانزدهم: در انتقادات خود انگیزه‌ای قراردهید: اگر در مخاطبان شما پس از انتقاد، تمایل به بهبود در کار دیده شود و ادامه یابد، احتمالاً انگیزه‌ی کاملاً مناسبی در بطن انتقاد شما وجود داشته است که مخاطب به جای احساس اجبار، احساس تمایل نشان می‌دهد.

شانزدهم: از دنیای مخاطبان خود استفاده کنید: استعاره به شما اجازه می‌دهد از مسیری وارد دنیای مخاطب شوید که برای او معنی دار باشد. اگر مخاطب شما به ورزش علاقه دارد، از یک استعاره ورزشی استفاده کنید.

هفدهم: پی گیر باشید، پی گیر باشید،پی گیر باشید: مهمترین فایده‌ی پی گیری این است که مخاطب می‌فهمد که شما واقعا قصد دارید به او کمک کنید. او اطمینان می‌یابد هر انتقادی تلاش دو طرفه برای بهبود بوده و چشم انتظار انتقادات بعدی شما خواهد بود. به محض آنکه متوجه پیشرفتی شدید، مستقیماً با فرد صحبت کنید. قدردانی شما مانند یک محرک مثبت عمل کرده و مخاطب را قادر می‌سازد که بهتر از قبل عمل کند.

هجدهم: معیارهای خود را برای انتقاد بشناسید: انتقاد بیانگر منطق شما در ارزیابی است. مواردی که از نظر شما اهمیت داشته، معیارها و استانداردهای شما را مشخص می کنند . گاهی اوقات بهتر است معیارهای خود را نشان دهید. مثلاً ویراستاری که مجبور بود برای اینکه هر بار با نویسنده‌ای جدید کار کند، یک نسخه از کتابی را که از دیدگاه خویش، بیانگر شیوه‌ی درست نگارش یک کتاب مدیریت بود، برای او ارسال و معیار خود را به مخاطبش نشان داده، و نویسنده را از روش، سبک و سیاق خود آگاه ساخت.

نوزدهم: به خودتان گوش دهید: آنچه که به خود می گویید نظارت کرده و ببیند آیا کمک‌کننده هستند یا آسیب زننده. هر روز به مدت پنج دقیقه با آرامش نشسته و به گفتگوی درونی که در آن لحظه در ذهن شما جاری است گوش فرا دهید. این تمرین را به مدت یک هفته ادامه دهید در موقعیت‌های بسیاری؛ هنگام ورزش و جلسات اداری، به افکار درونی و شنیدن گفتگوی درونی خود تمرکز کنید. اگر شنیدید که به خود می گویید؛ « او می‌خواهد مرا سرزنش کند»، با این جمله، اثر آن را خنثی کنید"؛ واقعاً از کجا می‌دانم؟ شاید او فقط می‌خواهد به من بگوید چگونه کارم را بهتر انجام دهم». یک روش خوب برای تمرین:۱- مسایل را برای خودت تشریح کن ۲- به آنچه که می گوید گوش کن ۳- می‌توانم از این وضعیت چیزهایی یاد بگیریم. ۴- یک نفس عمیق بکش و به عقب تکیه بزن.

بیستم: خونسرد، آرام و متمرکز باشید: اگر برانگیختگی شما کنترل شده نباشد، چالاکی ذهنی خود را از دست می‌دهید. اگر مخاطب باشید نسبت به انتقاد قفل، و اگر منتقد باشید، نسبت به دیدگاه‌های خود، سر سخت شده و فکر می کنید حق با شماست. اولین راه: اگر انتقاد کننده هستید، عصبانی تر و مضطرب‌تر از آن هستنید که انتقاد کنید. نفس عمیق بکشید تا خونسردی خود را حفظ کنید. دومین روش، تمرینات آرام بخش است. یک تمرین آرام بخش انتخاب کنید و آن را به مدت ده روز تمرین کنید.

سکوت

من نمی توانستم سخن بگویم؛ پس به سکوت پناه بردم که تنها زبان دل آدمی است. (جبران) silence I COULD not talk:so I resorted to silence, the only language of the heart.(Jibran

دل من

دل من اگر نشکند پس چگونه درک خواهد شد...جبران My Heart HOW SHALL my heart be unsealed unless it be broken?...Jibran

روش شناسی انتقادی: نگاه بوردیو به جهانی شدن

ولی الله رمضانی

یکی از بارزترین پدیده های علوم اجتماعی، در علوم انسانی روش انتقادی است. این روشها چه با نظامی فلسفی، جامعه شناسانه، انسان شناسی و... همگی، هم ضرروری هستند وهم آسیب پذیر. ضرروی هستند چون پویایی این روشها ومحتوای آنها را (علوم)

تضـمین می کننـد و آسـیب پذیرنـد چون خطر دگرگونی و گرایش به فرمالیسم را با خود به همراه دارنـد. غالبا انسا نها کمتر از نقد رضایتمنـد انـد واز این روی منتقـدین همیشه بـا روی خـوش مـواجه نمی شونـد. از سویی دیگر می بینیم که یکی از راههـای اعتبـار پذیری علمی، بویژه درعصـر حاضـر و در سنت مدرن، گرایش به همین روش های انتقادی است، آنهم درفضایی علمی ونه اخلاقی وارزشـی، آنگونه که در کشـمکش های سیاسـی وژورنالیستی کمابیش قابل روئیت است. از این روی، عده ای تفسیر وتوضیح خود پدیـده" نقـد "پرداخته انـد، بویژه درقلمرو ادبی که هم گسترده تر و هم نقـد پذیر تراند... بهر حال خودِ بررسـی تکنیک های نقد، بـدون در نظر گرفتن اهمیت مثبت ومنفی بودنش، می توانـد در علمی کردن بیشتر این جریـان وفعالیت های این علوم نقش داشـته و بستر کشمکش ها را متعادل تر و منطقی تر سازد. بنا بر این دراینجا تلاش می شود نمونه هایی از نقد معاصر برای علاقمندان ارائه گردند.

پیر بوردیو یکی از منتقدان بارز در علوم اجتماعی معاصر است در ذیل یک نمونه کاربردی از روش دست یابی به چنین نقدی ارائه می گردد. بوردیو در مقاله " سـیاست جهانی شـدن " ترجمه جناب پرویز صداقت درهمین پایگاه می نویسد:«جهانی شدن به تقدیر نیست، سـیاست است، از این رو، سـیاست مخالفت با تمرکز قـدرت و جهانی شـدن، امکان پذیر است...» .بوردیو مقاله خویش را با جمله مذکور شـروع کرده است . یک ظرافت روش شـناختی دراین جمله مشـهود است. او برای نشان دادن مخالفت خود با آنچه به رونـد جهانی شدن مرتبط می گردد، دست به ابتکاری زیبایی می زند وآن این است که نخست با تعریفی نو از مفهوم جهانی شدن : یعنی سـیاست دانسـتن آن، این دیـدگاه را ضـربه پـذیر می کنـد. بوردیو عملاـ پدیـده مورد نظر را": جهـانی شـدن، "به جایگاهی هدایت می کند که آسـیب پذیر است: یعنی" سیاسی بودن "و برای مقابل با آن، از ابزار وقالبی تخریبی بهره می گیرد، ابزاری که با تعریف خود هماهنگی و همخوانی داشته باشد: یعنی" سیاست مخالفت کردن . "بوردیو خوب می داند که اگر جهانی شدن را یک "تقـدیر "بدانـد، بـدین سـهولیت قـادر نیست تـا بر آن یورش ببرد. یکی از شـیوه های چنین برخوردانتقادی به یک پدیـده، نخست، محـدود کردن آن در بسـتر تحرکی و جنبشـی آن اسـت. چرا که امکـان فرار و یـا طرفه رفتن را از او سـلب می کنـد ویـا بطرز قـابل ملاحظه ای کاهش می دهـد. قلمرو و محـدودیت سـیاست به مراتب محـدود تر از محـدوده تقدیر است. نکته دیگر ابزاری است که برای درهم کوبیـدن موضوع، معرفی می گردد. بوردیو در اینجا با طرح" تمرکز گرایی قدرت، "ابزار عینی و روشـمندی معرفی می کند که از ویژه گی طبقه بندی برخوردار است. البته او آنجا که راه حل" عدم تمرکز گرایی "را معطوف به جبر گرایی ضمنی در عمومیت و عام بودنش (بین المللی بـدون) می کنـد، عملا از بُرّندگی ابزار خود، دراین نقد می کاهد. او راه حل خود را" سیاستِ سیاست زدایی "و یا" قـدرت زدایی "می یابـد. (قـدرت نیرو های اقتصادی). بوردیو، هم از طریق انـدیشه و هم عمل(که البته کمی شعار گونه می نمایـد)، سیاستی را مطرح می کند که هم به جنبش اتحادیه ای وسیاسـی درمحدوده ها ومرزهای ملی وهم فراتر از دولت های ملی می تواند ارجاع داده شود. او در تحلیل خود از چگونگی و امکان شـکل گیری نیرو های اقتصادی در سـطح جهانی سخن می گویـد و اینکه آنهـا دارای ابزارهایی هسـتند که درمقابل نیروهای سیاسـی مقاومت می کننـد... از سویی دیگر او به ذکر نیروهـای سیاسـیِ" مخـالف جهـانی شـدن "کـه درتنـوع فراوانی هسـتند و از برخی توانایهـای مشـتر ک بهر می برنـد(ویژگیهـای خـانوادگی) می پردازد. او این نیرو هـا و تواناییهـا را دارای سـابقه ای تـاریخی، جمع گرا و اشـترا ک پـذیر معرفی می کنـد(نمونه تجربه های کمونیستی). پس ویژگی اول آنها، نتیجه تجربه سـنتی تحر ک سیاسی است. او ویژگی دوم این جنبش های اجتماعی را "روش قرار گرفتن اولیت هـا "ذکر می کنـد(مسـکن، اشـتغال، بهـداشت ...). اینجـا بـا نکته ای مهمی روبرو می شویم وآن توجه به ترتیبات و اولیت ها، دریک فرایند انجام وعمل است. او ویژگی سوم این جنبش ها را"، شیفتگی "نسبت به عمل مستقیم می بیند. چهـارمین ویژگی را"، همبسـتگی نیروی محر ک "می نامـد. (شـبکه روابـط مناسب برای تقسـیم قـدرت و منافع). در اینجا نظر مابه اهمیت وضـرورت مطالعه شـبکه های گروه های اجتماعی جلب می شود. بوردیو برای هر شـبکه اهـداف مشترک درنظر می گیرد.

این اهداف می توانند در ا نواع گوناگون کوتاه مدت ودراز مدت مورد بررسی قرار بگیرند... تاکید بودیو بر ابزار اتحادیه ها، برای حل این مشکل جهانی شدن، با این مشکل اساسی روبروست که اتحادیه ها لزوما قدرتهای باثبات وبادوامی نمی توانند محسوب گردند. نخستین ضعف کاربردی آنها این است که درموارد بحران وانقلابی و یا کوتاه مدت با بعد وبُرد کوتاهی عمل می کنند. بنیاد تجمع نیروهای پایدار را باید در پدیده های بانفوذتری (مثل ادیان) جستجو کرد. چرا که دامنه نفوذ ادیان به محرک های صرف محدود نمی گردد بویژه زمانیکه که تجمع ها شدیدا، نیازمند تجدید نیروی فعال و جوان اند... بوردیو با تاکید بر گسترش پایدار شبکه ای جهانی سخن می گوید که ظهور ودام جنبش های اتحادیه ای را امکان پذیر می سازد. او در آرزوی طراحی یک نیروی سازمان یافته برای مقابله با جریان" جهانی شدن " است . این به مانند جنگی می ماند که ما تمام انرژی خود را برای جمع آوری و انسجام نیرو بکار ببریم ولی برنامه شفاف و از پیش مطالعه شده ای برا ی مقابله با دشمن ارائه نکنیم و یا آن را به شرایط آتی موکول سازیم... اصولا- بوردیو، چرا جهانی شدن را مورد انتقاد قرار می دهد؟ آیا جهانی شدن یک نوع بازگشت نوین به گذشته یکپارچه و محدود بسط است، (درحالیکه محدویت را در یک چشم انداز نسبیّت گرایی داراست)؟ آیا با نگاهی فلسفی، این بازگشتی به خویشتن است؟ یا این نفی آرزوهای دور ودرازی نیست، که در نگاه دینی به تعبیری، بشر را وادار به ایجاد فاصله ها کرده است(مهاجرت) ؟ آیا جهانی شدن یک نوع بازگشت مسافران ومهاجرانی است که قرنهاست پراکنده بوده اند واز این پراکندگی وعدم امنیت حاصل از آن است به جان آمده اند؟ اگر این چنین است نقطه مرکزی ومحور این چرخش کجاست وحرکت بازگشتی ما رو به کدام سرزمین و مرکزی دارد؟ آیا واقعا جهانی شدن تابعی ازسیاست های مستور در قوانین اقتصادی است؟ موتور واقعی چنین حر کتی از کدامین منابع عینی یا پنهان ریشه گرفته است و به کدام سمت وسیاق درحرکت است وچه موانعی درمقابل خود می بیند و چگونه واکنشی دربرابر آنها از خود نشان داده است؟ آیا اصولا ما ناگزیر از جهانی شدنیم؟ آیا اگر این حرکت جهانی شدن را سد کنیم ، جایگزینی برای آن درنظر داریم؟ آیا تنها زبان اقتصادی دربرابر این پدیده لب به سخن گشوده است ویا می توان انتظار جهانی شدن به سبکی دیگر ودر قلمروی دیگر را داشت؟ ...با ا ین وجود مسئله ای که ما را به خود متوجه می سازد این است که جهانی شدن نسیم یک تغییر است، تغییری بزرگ است که همه ما را به چالش می خواند.

*http://glo۱۱۰.blogfa.com/post-۳۱۹.aspx

خانه

آیا اینجا محلی برای آرامش من است ؟

مهربانی

k i n d هرکس به خانمانی دارد مهربانی من مهربان ندارم نامهربان من کو؟

چگونه انتقاد ، بشنویم و چگونه انتقاد کنیم

آیا انتقاد سبب خشم و عصبانیت شما می‌شود؟ آیا شما نیز گاهی با سخنان انتقادآمیز خود موجب رنجش دیگران می‌شوید؟ آیا از ترس این‌که مبادا کسی را از خود برنجانید، در بیان مطالبی که آن را مفید می‌دانید، تردید می‌کنید؟

پاسخ این پرسش‌ها اغلب مثبت می‌باشد چرا که مردم معمولاً تمایل دارند انتقاد را به شکل منفی به کار برند و تعبیر و تفسیر کنند و یا به دلیل منفی بودنش از انتقاد کردن خودداری نمایند. اگر چند نفر را به طور اتفاقی انتخاب کنید و از آنان بپرسید « معنی انتقاد چیست؟» به احتمال زیاد خواهند گفت: «انتقاد اظهارنظری است مخرب، تحقیرکننده یا خصومت‌آمیز که هدفش عیبجویی است.»

چرا انتقاد در مفهوم رایج خود دارای تاثیر تا بدین حد مخرب و منفی است؟ در انتقادهای متداول، انتقاد کننده معمولاً به شکلی غیرمنصفانه فقط روی نقاط ضعف انگشت می‌گذارد. انتقاد به صورت متداول خود جریانی منحصراً یکسویه است.انتقاد نادرست احتمال رشد و پیشرفت را از بین می‌برد. این شیوه با تمرکز بر روی اعمال گذشته فرد روزنه هر نوع جبران و پرهیز از خطا را می‌بندد. وقت آن رسیده که در تعریف انتقاد تجدید نظر کنیم و بدین ترتیب مفهوم قبلی آن را تغییر داده، در روند انتقاد کردن و انتقاد شنیدن تحول و اصلاحاتی ایجاد کنیم. به تعاریف جدید توجه کنید: انتقاد عبارت است از: انتقال اطلاعات به دیگران به نحوی که افراد مورد انتقاد بتوانند آن را در جهت مصالح خود به کار برند. و یا انتقاد وسیله ای است برای تشویق و افزایش رشد فردی و روابط اجتماعی. هر فرد در طول حیات خود ممکن است بارها توسط دیگران مورد ارزیابی قرار گیرد. برخی از این ارزشیابی ها دارای جنبه های تشویقی و برخی دیگر منتقدانه است. انتقاد از دیگران در صورتیکه هوشمندانه انجام شود آثار بسیار مفیدی خواهد داشت، درغیر این صورت ممکن است با واکنش های منفی مختلف مواجه شود. این رفتار، هنری است که باید آموخت و بدون آگاهی از روش کاربرد آن زیان بار خواهد بود. انتقاد درست آن است که ضمن تاکید بر نقاط قوت به نقاط ضعف فرد نیز اشاره کند و با ارایه راهکارهای مناسب برای رفع آن سخن به میان آورد. پذیرش انتقاد از دیگران بین طبقات مختلف متفاوت است. برای مثال در بیشتر مواقع انتقاد از سوی افراد یک خانواده قابلیت پذیرش بیشتری در مقایسه با سایرین دارد. به طور معمول ما در برابر قضاوت افراد بیگانه آسیب پذیری بیشتری داریم. برخی از انواع انتقاد عبارتند از: انتقاد سازنده: این روش در بسیاری موارد می تواند جنبه ای سازنده و مثبت داشته باشد. اگر لحن انتقاد کننده دوستانه باشد بیشتر موثر واقع شده و شنونده بدون آنکه مورد حمله قرار گیرد از معایب خود مطلع می شود. بی تردید برای هیچکس خوشایند نیست که بشنود » بد غذا میخورید« و یا »در لباس پوشیدن بد سلیقه است «. برای آنکه انتقاد سازنده و موثر باشد منتقد باید مواردی را رعایت کرده و پرسشهایی را مطرح کند که هر یک از آنها در رساندن وی به هدف خود نقش مثبتی ایفا کند. این سئوالات می بایست محتوای اطلاعاتی را که لازم است مبادله شوند در برگیرد.همانگونه که گفتن و چگونه گفتن ارتباط نزدیکی با هم دارند، محتوا و شیوه انتقاد نیز بر هم تاثیر گذارند. در تعیین محتوای یک انتقاد باید ابتدا از خود پرسید که از چه رفتاری می خواهیم انتقاد کنیم؟ این روش می تواند بسیار مفید واقع شود، زیرا از به کاربردن جملات کلی و کلمات پوچ و آزاردهنده ای چون »همیشه همین کار را می کنی«، »هیچ وقت به موقع نمی آیی« و جملاتی از این قبیل جلوگیری می شود. هنگامی که انتقاد از رفتار خاصی را با قاطعیت و به طور دقیق مطرح می کنیم برای انتقاد شونده این امکان را فراهم می سازیم که منظور ما را بدرستی درک کند. انتقادی که متوجه رفتار خاصی باشد می تواند منجر به گفتگویی دوجانبه شود تا اینکه به بحثی مبدل شود که حدود آن مشخص نیست. انتقاد غیرمستقیم: انتقاد می تواند به صورت غیرمستقیم بیان شود. برای مثال اگر طرف مقابل شما خصوصیت بدی داشته باشد، در خلال گفتگو به او بگویید: »به نظر شما آدمهایی که دارای این خصوصیت اخلاقی هستند، غیرقابل تحمل نیستند؟« این شیوه انتقاد باعث می شود که یک حس هوشیاری در وی بیدار شود و وی متوجه شود که دارای چنین مشکلی است. حتماً این مثل را شنیده اید که می گوید به در می گویند تا دیوار بشنود.این یک مثال متداول در فرهنگ ما برای ابراز همین موضوع است. انتقاد همراه با تعریف و تمجید: در این روش ابتدا می توان به تعریف و تمجید ویژگی های ارزشمند فردی که مورد انتقاد است پرداخت برای مثال»تو دختر خیلی باهوشی هستی«. پس از کاربرد یک مقدمه مناسب نظر انتقادی خود را بیان و سعی کنید آن را در پوششی از سخنان خوب و دلپذیر قرار دهید. البته منظور شما اصلاً تملق گویی نیست بلکه نخست خصوصیات خوب او را گوشزد کرده و بعد انتقاد خود را ابراز داشته اید. انتقاد تهاجمی و صریح: رک بودن نشانه صراحت و صداقت است ولی همیشه برای مخاطب خوش آیند نیست بخصوص اگر خیلی ناپخته بیان شود. این نوع انتقاد نه تنها هیچ نوع سازندگی در بر ندارد بلکه شنونده را هم در موضع تدافعی قرار می دهد. بهتر است که انتقاد با بکارگیری یک سیاست درست انجام شود. محکوم کردن: گاهی بجای انتقاد همراه با

راهنمایی، انتقاد کننـده مخاطب را در یک دادگاه یک طرفه محاکمه و محکوم می کند. او به خود این حق را می دهد که در مورد دیگران اظهـار نظر کرده و الگوی فکری خود را به وی تحمیل کنـد. اینگونه برخوردها نه تنها سازنـده نیست، بلکه بسـیار نامناسـب است. انتقـاد دیرتر از موعـد: این گونه انتقادات، زمانی صورت می گیرد که هیـچ کمکی به رفع مشـکل نمی کنـد. به عبارتِ دیگر زمان برای جلوگیری از خطا وجود ندارد. بر هیچ کس پوشـیده نیست که انتقاد در چنین زمانی برای جلوگیری از تکرار اشـتباه بوده و اگر تشـخیص داده شود که تاثیری در آینده نخواهد داشت، بهتر است هیچگاه ابراز نشود. شیوه درست انتقاد کردن رعایت نکات زیر می توانـد در زمـان انتقـاد بسیار یـاری دهنـده باشـد.- آیا رفتار مورد انتقاد را می توان تغییرداد؟ – آیا شـخص مورد انتقاد قرار گرفته علاقمند به شنیدن آن است؟ – احتمال قبولی طرف انتقاد شونده چقدر است؟ – از انتقاد شونده سئوال کنید آیا منظور شما را درک کرده است؟ – به فرد انتقاد شونـده تفهیم کنید که انتقادتان بازتاب ساده عقیده شـماست. – از انتقاد تحکم آمیز دوری کنید، زیرا اینگونه انتقادها بلافاصله فرد را در موضع دفاعی قرار می دهد. – سعی کنید انتقاد را به صورت نگرش شخصی خود به موضوع بیان کنیـد و کوشـش کنیـد او را به شـیوه نگرش خود کنجکاو کنیـد. – موضوع را طولانی و انتقاد را به سـخنرانی تبدیل نکنید زیرا شنونده را خسته و بی حوصله می کند.– انتقاد را در زمان و مکان مناسب ابراز کنید نه در لحظه ای که طرف مقابل آمادگی شنیدن آن را ندارد. اول صبر کنید تا مخاطب در آرامش و خونسـردی قرار گیرد تا ایرادی که از او می گیرید موثر واقع شود. – با توجه به سطـح دانش مخاطب انتقاد را بیان کرده تا برای مخاطب قابل درک باشد. نمی توان از یک روش برای تمامی افراد اسـتفاده کرد. – وقتی انتقاد می کنیـد کوشـش کنیـد بـدون سوء نیت بوده و فقط به منظور کمک و راهنمایی باشـد. – با مشـکلات و احساسات فرد مقابل همـدلی کنیـد. – بهتر است انتقاد حضوری و بـدون واسـطه باشـد و از انتقاد کردن غیرمسـتقیم بپرهیزیـد. – برای حفظ آبروی اشـخاص، از انتقاد و نصیحت کردن فرد در حضور دیگران خودداری کنید. – چنانچه بخواهید انتقاد شما با واکنش مثبت و سازنده ای همراه باشـد بایـد نشان دهیـد نه تنها به آنچه گفته ایـد متعهـد هستیـد بلکه به رفتار فرد در مقابل انتقاد خودتان نیز ارج می نهید. هرگز در انتقاد، طرف مقابل را با کسی مقایسه نکنید. مقایسه کردن باعث دلگیری مخاطب شده و ممکن است با واکنشـهای بسیار نامنـاسبی مواجه شویـد. اگر شخصـیت و احترام مخـاطب در نظر گرفته نشود نه تنها انتقاد موثر واقع نمی شود بلکه می توانـد به قطع رابطه منجر شود. انتقاداتی به نتیجه می رسـند که بسیار با دقت و هوشمندانه مطرح شوند و مخاطب بدون آنکه آزرده خاطر شود از معایب خود آگاه شود. هیچگاه در انتقاد از دیگران تصور نکنید که آنچه نظر شماست حتماً صحیح بوده و می بایستی شنونده بدون چون و چرا آن را بپـذیرد. انتقـاد از همکاران رقابت در تمامی سـطوح هر سازمانی وجود دارد. یکی از علل آن دستیابی به امتیازات بیشتر در مقایسه با همکاران دیگر است.این امتیازات به صورت های گرفتن پاداش، ارتقای شغلی و موارد دیگر از این قبیل است. به طـور کلی هر فردی با۳ سـطح در یک سازمان ارتباط دارد: سـطوح زیر دست، همکاران هم ردیف و همکاران سـطوح بالاتر، آنچه بسـیار حائز اهمیت است آنست که بدانیم در هر سطحی چگونه انتقادات خود را بیان کنیم. اگر بخواهیم از یک روش برای انتقاد از افراد مختلف اسـتفاده کنیم، یـک اشـتباه بزرگ مرتکب شـده ایم و چنین شـیوه ای دارای نتایجی بسیار ناگوار است. در بسـیاری از سازمانهـا دیـده شـده افرادی که به طور کلی از دیگران به ویژه از افراد مـافوق خود انتقاد می کننـد مورد بی مهری قرار گرفته و در گرفتن امتیازات و رتبه ها همیشه با مشـکلات متعددی مواجه می شوند. بررسـی روشهای انتقاد بسیار پیچیده و دارای نکات فراوانی است. انتقاد صـحیح داروی تلخ ولی مفیدی است که زمانی موثر خواهد بود که به موقع و درست تجویز شود، در غیراین صورت نه تنها باعث بهبودی نمی شود بلکه منجر به تشدیـد بیماری خواهـد شد. برای طرح یک انتقاد سازنده و مؤثر باید موارد ذیل را مدنظر داشـته باشیـد: رفتار مورد انتقاد را مشـخص کنیـد. انتقاد خود را تا حـدامکان واضـح و مشـخص بیان کنید. اطمینان حاصل کنید که اعمال و رفتاری را که مورد انتقاد قرار می‌دهید، قابل تغییر است. در غیر این‌صورت از انتقاد صرف نظر کنید. از عبارت نظر شخصی من این است اسـتفاده کنید و از تحمیل نظریات خود بپرهیزید. واضح و شمرده سخن بگویید، به طوری که طرف مقابل انتقاد شما و

دلیل مطرح کردن آن را بفهمد.موضوع را کش ندهید و انتقاد را به سخنرانی تبدیل نکنید، زیرا شنونده بی‌حوصله می‌شود و توجهی به آن نمی‌کند. بکوشید انگیزه‌هایی برای تغییر رفتار پیدا کنید و خود را متعهد بدانید که انتقاد شونده را در حل مشکلش کمک کنید. اجازه ندهید گفته هایتان از احساسات منفی شما رنگ بگیرد. مواظب باشید صدایتان بلند و لحن کلامتان خشن و طعنه‌آمیز نباشد. از ژست‌های خشم‌آلود، مانند گره کردن دست، اخم کردن، گره به ابرو انداختن و نظائر آن پرهیزید.حالت و رفتار شما می‌بایست گفته‌های شما را تقویت کند نه آنکه آنها را نفی کند.با مشکلات و احساسات طرف مقابل، همدلی نشان دهید. شتابزده انتقاد نکنید. بکوشید با پیش‌بینی واکنش‌های منفی شخصی که مورد انتقاد قرار می گیرد، از بروز آن جلوگیری کنید. جملاتی مانند: « می دانم که به من این اجازه را می دهید که در مورد ... حرف بزنم، چون معتقدم که برای شما مفید خواهد بود.» در کاهش واکنش‌های منفی مؤثر می‌باشد.اگر نتیجه انتقاد خود را در رفتار انتقاد شونده مشاهده نمودید، وی را تحسین کنید.

http://lifestyle.parsgooya.ir*

خرد انتقادی، شالوده نگرش فعال N.G.O

خرد انتقادی، شالوده نگرش فعال N.G.O

دلشاد صالح زاده

اشاره:در این نوشتار نظر بر این است با تعریف خرد انتقادی در راستای بسط و شکل گیری تئوری کلان جامعه مدنی، یکی از پارامترهای تاثیر گذار جامعه مدنی یعنی نگرش انتقادی مورد بحث قرار گیرد. * لازم به ذکر است، نوشتار زیر صرفاً متاثر از دیدگاه شخصی نویسنده می باشد .بررسی نظریه انتقادیمحصور گشتن اندیشه در حصارهای تنگ اندیشه های معلق قرون وسطی، انسان را منفعل و بی رمق کرده بود، اما با تحول انقلابی روشنگری دوره رنسانس، پویایی و دینامیکی فلسفه و اندیشه همراه با عقل گرایی انتقادی - اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گسترش یافت و محرک شکل گیری جریان جامعه منظم و آزاد گردید. دیگر انسان اندیشمندانه جوهر و پدیدار رویدادهای روزمره را به حوزه نامشخص ربط نمی داد و خود مانند اندیشمندی مبتکر و خلاق وجود و ماهیت اشیاء و تحولات را مورد کَند و کاو قرار می داد و این شد انفجار جریان روشنگری مغرب زمین، که اساس آن خرد انتقادی بود، خردی که تمام حوزه ها را بدون دلبستگی به اندیشه ای خاص مورد نقد قرار می داد، خرد انتقادی نوعی جریان سازی متفاوت می باشد که تمام اشکال ظلم و سرسپردگی را مورد انتقاد سخت قرار می دهد و اساس مبارزه خود را معطوف به شکل گیری نظم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار می دهد.پیشینه خرد انتقادی و یا عقل گرایی انتقادی را به آکادمی افلاطون رجوع می دهند، تئوری اندیشه انتقادی در چند دهه اخیر کاربرد و گستردگی کلانی به خود گرفته است و به عنوان بینشی در تمام حوزه های علوم انسانی و اجتماعی و علوم و فنون تکنولوژی و حتی در اندیشه اجتماعی معاصر، نمودی بارز داشته است. چارچوب نظری فلسفه انتقادی را می توان با بررسی آرای کانت، اندیشمندان مکتب فرانکفورت، مکس بلاک، رابرت انیس، یورگن هابرماس ، کارل پوپر و ... متوجه گشت . که متاثر از اندیشه عقل گرایی انتقادی این متفکرین، اندیشه معاصر اجتماعی مدرن پروسه تکاملی خود را طی نمود. نگرش نقادانه در غرب همیشه تحت تاثیر اندیشه کانتی بوده است که غالباً در بافت فکری روشنفکری از آن به عنوان منشور و مانفیستی یاد می شود و در مواردی چارچوبی فلسفی به آن بخشیده است، شاید هیچ نظام فکری و فلسفی معتبر نتوان یافت که زیر سایه فلسفه انتقادی کانت و درجه بندی دوگانه اش از معرفت نباشد، اما در جامعه ما هنوز بیشتر صاحب نظرین که منظومه ذهنی خویش را تصویری بی غل و غش از واقعیت می انگارند و هیچ سنجش نقادانه ای را بر نمی تابند به تجربه های نظام های فکری و فلسفی موفق جهانی حتی در حد نگرشی دانشگاهی نیم نگاهی که منجر به عمل گردد نمی اندازند . اتفاق نظر در خصوص تفکر انتقادی در رشته های مختلف متفاوت می باشد، اما وجه تشابه تفکر انتقادی در همه حوزه ها آگاهی از چند و چون

علمی آن حوزه می باشد . بطور مثال گام اول تفکر انتقادی در حوزه کلان اجتماعی، نگرش عمیق در لایه های زیرین جامعه و بالطبع آگاهی و شناخت مفاهیم و شاخصهای یک جامعه مدرن و با ثبات می باشد .لازمه تفکر انتقادی در حوزه های مانند ادبیات، تاریخ، علوم سیاسی، جامعه شناسی و... بنیه علمی در آن حوزه می باشد، اما حوزه های که همه اقشار جامعه با آن سروکار دارند بدون لحاظ کردن بعد علمی آن می توان همیشه توامان باشد با تفکر انتقادی در هر سطح و اندازه ای که این مورد خاص اهمیت و ضرورت نگرش انتقادی را در تمام سطوح جامعه نشان می دهد.اصالت و ضرورت تفکر انتقادی با ابزار های علمی و مدرن قابل آموزش می باشد اما چگونگی و اجرای آن بر اساس مختصات زمانی و مکانی خلق الساعه می باشد، هر چند شاید بعضی ها بر این اعتقاد باشند این شیوه تفکر و عمل انتقادی نظم و ثبات جامعه را به مخاطره می اندازد اما در جواب باید گفت اصول تفکر و عمل انتقادی مدرن براساس قوه اخلاقی مشترک در بین کارکترهای سیستم اجتماعی در جهت توضیح بعد مثبت آن امکان پذیر می باشد و گرنه در سیستمی غیر منظم که کارکترهای آن به کوچکترین ابزار های مدرن و آگاهی بخشی دسترسی ندارند این شیوه مقرون به صرفه نخواهد بود و برعکس بازخوردی نامنظم و منفی در جامعه خواهد داشت .هربرت مارکوزه به عنوان اندیشمندی که نقادی را اساس فلسفه ذکر می کند، در برخورد با امور اجتماعی نقادی را محور قرار می دهد . مارکوزه توانایی نقد را جزو نیروهای رهایی بخش در نظر می آورد .واز دیدگاه اینجانب، نقادی باید از لایه های زیرین جامعه بصورت عمودی به بالا شکل بگیرد و سپس همزمان با انعکاس تاثیر آن در محیط ، تاثیر آن در بافت یک دسته بالا مشاهده گردد .نگرش انتقادی فعال N.G.O نظریه پردازی امروزه شامل امور روزمره تحصیل کرد گان و حتی مردم عادی شده است که متاسفانه هیچ مبنای علمی و تخصصی ندارد، امروزه در فضای حاکم مرزی میان منتقد و نظریه پرداز و صاحب نظر و تحلیلگر وجود ندارد، هر چند از دیدگاه اینجانب نگرش انتقادی در هر شکلی باید ابزار دست هر شهروندی باشد البته در صورتی که مرز انتقاد و تخریب مشخص گردد . باید در نظر داشت که تفکرات ارزشی و بنیان باورانه در تمام لایه های زندگی ریشه دوانیده است و در لایه های تو در توی جامعه در انواع شیوه ها می توان سایه نگرش ارزشی را مشاهده کرد که در بیشتر مواقع رنگ و بوی ایدئولوژیک به خود می گیرد .فعال N.G.O متاثر از بافت فرهنگی جامعه و با نگرشی محتاطانه به الگو های موفق جهانی و نه به عنوان فردی صرفاً مصرف کننده در حوزه های مرتبط با حوزه ی تخصصی خود با دیدی علمی و عقلی معرفت خرد انتقادی را در بافت بومی نهادینه می کند، البته با اساس قرار دادن خودانتقادی و سپس انتقاد از دیگری و جامعه. شاید این رویکرد به این دلیل باشد که سایه سنگین و رقت بار پژوهش های فلسفی جوامع توسعه یافته در کنار نگرش مصرفی صاحب نظرین بومی نوعی انفعال و سرخوردگی را در داشتن فلسفه بومی بوجود آورده است، که این شرایط با غلظتی نگتیو مضاعف در بافت فکری کردستان در جریان می باشد، سالهاست که در میان ما هیچ دستگاه فکری خاص شکل نگرفته است و حتی نتوانستیم بر اساس دستگاه فلسفی موفق جهانی، مهندسی فلسفی بومی را تدوین کنیم تا اینکه حداقل ابزاری جهت رهایی از درماندگی تئوری یا تئوری زدگی موجود گردد . فعال N.G.O باید بدون وابستگی ایدئولوژیک و فکری خاص، همه پدیده های فرهنگی ،جامعه شناسی، ادبیات، موسیقی، ورزش و ... را از لحاظ ارزشی مورد کند و کاو قرار دهد و جسورانه بنیانهای ارزشی را بدون هیچ مصلحتی و با شهامت تجزیه و تحلیل کند و با دیدی انتقادی به آن بنگرد.کارکترهای بنیان باور مطلق انگار بر اساس ایدئولوژی خاص خود هر امری را مطلق می انگارند، این شیوه نگرش در برابر رویدادهای روزمره، قدرت انعطاف فکری را از فرد می گیرد و فرد را از هر گونه تفکر و نگرش متجددانه تهی می نماید، در تعریف کلان ایدئولوژی می توان این دسته از افراد جامعه را مورد بحث قرار داد .یک فارغ التحصیل دانشگاهی که در حوزه تخصصی خود به توان علمی رسیده است، در صورت وابستگی ارزشی و ایدئولوژیک، فقط در حوزه ی کاری خود در فرمی مکانیکی از توان علمی خود بهره می برد ولی در حوزه اجتماعی فاقد نگرش علمی و مدرن خواهد بود .ایدئولوژی همانند تمام مفاهیم علوم انسانی تعریفی کلان دارد و نمی توان در چارچوبی خاص در مورد آن به اتفاق نظر رسید، ولی در هر حال با در نظر

گرفتن برداشت بالا از ایدئولوژی، فعال N.G.Oن ظریه انتقادی را همچون شیوه ای جهت بررسی و کنکاش ایدئولوژی در همه ی شیوه ها و نمودهای گوناگون آن لحاظ می کنـد نظریه انتقادی هابرماس و فرموله کردن آن در مفصل بندی استراتژی کلان فعالیت مدنی فعال N.G.Oتعریف هابرمـاس در خصوص نظریه انتقـادی در جـامعه: نظریه انتقادی عبارت است از نظریه ای جامع و فراگیر دربـاره کنش و عقلانـیت ارتباطی در بستر وضـعیت کلامی مطلوب که معمولاً از آن تحت عنوان نظریه کاربرد شناسـی همگانی نیز یاد می کنـد .این تز هابرماس مبتنی بر این عقیـده است که اولاً در عقل ارتباطی نوعی قدرت خارق العاده " اسـتعلایی " سرسـختانه ای نهفته است که در پارادایم های دیگر به نـدرت به چشم می خورد و ثانیاً انسانها نیز همواره نوعی تعلق خاطر و وابسـتگی عمیق و دیرپایی به عقلانیت و خردورزی از خود نشان دادنـد .در تعریف نظریه انتقادی آقای هابرماس سه کلیـد واژه یافت می شود که می توان با در نظر گرفتن مفصل بنـدی جامعه مـدنی آن را این گونه تئوریزه کرد .علائق سه گانه پروفسور هابرماس " کنش ارتباطی" "عقلانـیت تفـاهمی " و " اخلاـق گفتمـانی " در رویکرد خرد انتقـادی، در مفصل بنـدی جامعه مـدنی در قالب یک قرائت بومی اینگونه می باشد .جامعه مدنی مجموعه ای از کارکترهای منظم با تعریفی مشـخص در راستای تحقق اهداف تعیین شده ی توافقی و معقول (عقلانـیت تفاهمی) می باشـد که کنشـگری و کنش پـذیری هر شـهروند در قالب یک کارکتر فعال (کنش ارتباطی) تاثیری سرنوشت سـاز بر کل برنامه ها و اهـداف فعال N.G.O خواهـد گـذاشت . (اخلاق گفتمانی)اما باید در نظر داشت روح علائق سه گـانه هابرمـاس یعنی " کنش ارتبـاطی " " عقلانـیت تفاهمی " و " اخلاق گفتمانی"، " آگاهی "می باشـد و سـپس " آگاهی " با اسـتفاده از مکانیزمهای تـدوین یافته در بسط و گسترش تئوری جامعه مـدنی " زبان " را با غلظت اخلاقی انسان مـدارانه به کار می بندد، البته برخلاف مارکس، که کار را اصالت و روح انسان می نامد، هابرماس این کار کرد را به زبان می دهد، هابرماس زبان را وجه تمـایز انسـان و حیوان می دانـد و حتی محرک تغییر خود و محیـط را " زبـان " می دانـد. علاـئق سه گـانه و سپس چهارگـانه هابرمـاس در راسـتای تـدوین استراتژی تئوری جـامعه مـدنی کـار ویژه خود را دارا می باشـند. هابرمـاس علاـیق" رهـایی بخش "را آخرین علایق می دانـد که این علایق نیز ریشه در" زبان "دارد که بیشتر سـعی دارد کنش و ارتباط را وجه مصالعه هیـچ کدام قرار ندهـد. شاید این مورد در راسـتای شـکل گیری علمی تحت نام" خرد انتقادی "قرار گیرد، این مورد در توانایی انسانها برای تفکر و عمل خود آگاهانه"، عقلانیت تصـمیم گیری "بر مبنای واقعیات شـناخته شـده و قواعد پذیرفته شده کنش متقابل ریشه دارد. در این میان واقعیت باید شـفاف در دسترس تمام کاراکترهای N.G.O قرار گیرد که در غیر اینصورت تعدادی در راسـتای منافع شخصی و گروهی خود دنبـاله رو آمیزه هـای تحمیلی خـاص خود خواهنـد بود که این جریـان انحرافی در رونـد تصـمیم سـازی اصـالت فعال N.G.O، اختلال ایجاد می کنـد . و همچنین بایـد در نظر داشت دانش و توان تفسـیر و تأویل (پاردایم عقلانیت هرمنوتیک) باید در تمـام عرصه های گفتمانی کارکترهای N.G.O و حتی دیالوگ روزمره حضور خود را حفظ نمایـد و این مهم هم شـهامت نظری و پراکتیکی فعال N.G.O را در تمام حوزه های ذهنی و عینی جامعه می طلبـد. و شایـد از آن به عنوان جسارت وقاطعیت که رنگ و بوی بشردوستانه دارد نام برد .عقل گرایی انتقادی در روند شکل گیری نگرش انتقادی فعال N.G.Oتاکنون اندیشمندان بسیاری در خصوص واژه یا مسلک عقل گرایی انتقادی سـخن گفته اند اما انسـجام نظریات کارل پوپر از تمامی آنها برجسـته تر و قابل فهم تر می باشـد . پوپر عقل گرایی فراگیر و غیر انتقادی را که حاوی اسـتدلال عقلانی و تجربه نباشد را در مقابل عقل گرایی انتقادی قرار می دهد، پوپر جانبدار عقل گرایی فروتنانه ای است که از خود انتقاد می کند . از دیدگاه پوپر نگرشهای صرفاً متافیزیکی ، انعطاف نقـد پـذیری را ندارنـد و در چارچوب تحلیل قرار نمی گیرنـد .تلاش نقد همواره در این است تا فرضـیه ها را باطل کند. هر چه نقد محکمتر باشـد، به همان انـدازه کشف سـریع خطاها ممکن تر میشود. فرضـیه های باطل شـده از حوزه علم حذف می شوند .پوپر" عقل گرایی "را در مقابل تعریف عام و کلان آن یعنی " عقل گریزی " قرار می دهد، اما در تعریف فلسـفی عقلانیت می توان سه گونه عقلانـیت را بحث کرد . عقلاـنیت ابزاری ، عقلاـنیت هرمنوتیـک و عقلاـنیت دیـالکتیکی .عقلاـنیت ابزاری در غیـاب عقل در

جهت رسیدن به هدف براساس تصمیم سازی مشخص کاربرد دارد، و عقلانیت هرمنوتیك پیمانه فهم و تشریح سنت می باشد که در تعریف این گونه عقلانیت، صاحب نظرانی قلیل صرفاً معتقد به این گونه عقلانیت فهم سنت هستند، اما نوع سوم عقلانیت که پایه آن بر اساس نقد سنت است، یعنی کار ویژه تاریخی و اصیل عقلانیت هرمنوتیك را ساقط می کند و به آن وجه تئوریك می بخشد، یعنی بیان اینکه انتخاب آگاهانه سنت می تواند سرآغاز شروعی نو باشد .حال این سوال به ذهن خطور می گردد.آیا مدیریت و بسط تفکر فعالیت مدنی با همراهی کدام یك از عقلانیتهای ذکر شده امکان پذیر است؟نگرش فعال N.G.O با مفاهیم متجددانه و نو مجهز خواهد گشت و در راستای ذهنیت و عمل مدنی پارادایمهای سنتی تنها در راستای اتفاق نظر و گره گشای نقاط کور تاریخی می توان کارگشا باشد ولی همانگونه که در تعریف فعالیت مدنی بیان گردید نمی توان بر اساس عقلانیت هرمنوتیك یا عقلانیت دیالکتیکی در بافت مهندسی تئوری N.G.O سرمایه گذاری کرد بلکه باید با برنامه ریزی و اکتیو کردن شیوه های تدوین یافته براساس عقلانیت تفاهمی و در نظر گرفتن واقعیتهای خاص و با استفاده از مکانیزمهای موجود به هدفهای مشخص شده نائل گردید که این جریان فکری را می توان در قالب عقلانیت ابزاری بحث کرد . عقلانیت ابزاری در راه ثبات و نظم جوامع مدنی موفق جهان مدرن نقش بسزایی داشته است و مهمترین توان و انرژی این جوامع بوده است . خرد فعال N.G.O بر اساس مشارکت اجتماعی تمام" فرد"های تعریف شده در یك مجموعه عقلانی خاص با مهندسی عقلانیت ابزاری که یك عقلانیت علمی- انتقادی است امکان پذیر می باشد" . فرد"های تعریف نشده و بدون شناسنامه، عاری از عقلانیت ابزاری انتقادی می باشند و نمی توانند در پروسه مشارکت اجتماع سازی مدرن حضوری مثبت داشته باشند . فردهایی که توانایی نقد سازه های اجتماع را با تمام مواد تشکیل دهنده اش را ندارند، توانایی تغییر و یا ساخت مهندسی جدید را نخواهند داشت . شاید بعنوان تکه گوشتهای متحرك و منفعل حضور فیزیکی داشته باشند ولی تنها کارکرد یك وسیله ابزاری بدون دارا بودن شعور اجتماعی را دارند.کارکترهای تشکیل دهنده N.G.O ، بعنوان کارکترهای فعال و نه منفعل توانایی شناسایی استعدادهای خود و سپس تعریف محیط همراه با شناخت مفاهیم جهانی البته بومی شده را خواهند داشت . تعریف" فرد "، "شهروند آگاه "و" روشنفکر "جامعه مدنی تعریف روشنفکر متفاوت از تعریف صاحب نظر، تحلیلگر یا فیلسوف می باشد ، معرفت روشنفکر تلفیقی از هر سه می باشد، صاحب نظر و فیلسوف در راستای رشته تخصصی خود اقدام به اندیشیدن می کنند و تحلیلگر پسوند هر دو می باشد، اما روشنفکر، فرا از تعریف تاریخیش ، به فردی که بیش از حد متعارف از دیگران خردمندتر و آموخته تر باشد گفته می شود . تشخیص روشنفکر در فضایی که سطح دانش و آگاهیهای عمومی در سطحی نازل قرار دارد گمراه کننده می باشد اما در مناطق مدرن بر اساس شاخصهای مشخص، روشنفکر تعریف می گردد .اما وجه تمایز روشنفکر و عامه در هر دو فضای توسعه یافته و توسعه نیافته در سه اصل" احساس مسئولیت "، " جسارت و قاطعیت " و " شهامت انتقاد "نهفته می باشد .که هر کدام از این موارد تکمیل کننده همدیگر و لازم و ملزوم هم می باشند .در وظیفه شناسی روشنفکر غربی، جست و جوی حقیقت جایگاهی برجسته دارد، اما این تعبیر غیر شفاف می باشد زیرا فیلسوف، تحلیلگر و صاحب نظر هم در جست جوی حقیقت می باشند، با این تفاوت که روشنفکر در جریان کسب حقیقت، تعریف یك فعال مدنی منتقد جسور را به خود می گیرد که دیگران فاقد این مشخصه بازر می باشند . روشنفکر، منتقد پروپاقرص نظم اجتماعی حاضر می باشد و همیشه سعی و اهتمام بر این دارد که با تمام توان و شعور خود در صف نایستد و بر خلاف جریان فکری توده حرکت کند و در راستای تحقق نظم نوین اجتماعی هیچ مصلحتی را نمی پذیرد و در برابر عمل انسانی خود در پی کسب موقعیت اجتماعی نیست .حال جهت ترسیم شفاف تر مرز روشنفکر و عامه به دو مشخصه بارز روشنفکر که اصالت و معرفت روشنفکر را شکل می دهد می پردازم .شعور علمی + شعور اجتماعی = روشنفکر و یا شهروند آگاه دو مشخصه بارز و متمایز روشنفکر از دیگر افراد دارا بودن شعور اجتماعی و شعور علمی می باشد . فارغ التحصیلان دانشگاهی و صاحب نظرین حوزه های تخصصی شعور علمی دارند و افرادی که در عرصه اجتماعی در برابر مشکلات روزمره توان تجزیه و

تحلیل رویدادها رادارند دارای شعور اجتماعی می باشند، و جمع این دو شعور در یک جسم، به فرد اصالت شهروند آگاه و در صورت تجمیع سه اصل " احساس مسئولیت " " جسارت و قاطعیت " و " شهامت انتقاد " با دو مشخصه" شعور اجتماعی "و "شعور علمی، "منزلت" روشنفکری "به شهروند آگاه و حتی عنوان شهروند صاحب نظر، تحلیلگر، فیلسوف و یک مبارز شجاع می بخشد . فریدون ملایی اعتقاد دارد به فردهایی که با تجمیع شعور اجتماعی و شعور علمی در خود، توان " تمام کنندگی " دارند، می توان عنوان شهروند آگاه بخشید . داشتن مدرک تحصیلی و یا موقعیت اجتماعی و یا بازی با مفاهیم علوم انسانی در گوشه کتابخانه بدون انعکاس و بروز ذره ای از آگاهی خفته در جامعه، نمی توان فرد عادی را به درجه روشنفکری و حتی شهروند آگاه ارتقا دهد و یا افرادی که در تمام طول زندگیشان فقط نق و نوق را پیشه کرده اند و در نهایت با یک پرستیژ شهروند مدار عنوان یک شهروند منتقد را به خود اختصاص می دهند، اینان باید بدانند که افرادی بی بنیه و منفعل هستند که حتی در چهارچوب یک فرد با ثبات روحی و روانی قرار نمی گیرند .در پایان می توان شکل گیری و تکامل فکری قابل انعطاف" شخص "جامعه غیر مدنی و سپس " فرد "جامعه مدنی را اینگونه فرموله کرد" . شخص "غیر مدنی متاثر از حضور" مام رسو" ، "خاله وتمان "و"کاک احمد "هیکل فیزیکیش شکل می گیرد که در روند بسط و شکل گیری دانش و آگاهیهای متجددانه مهندسی فکری قابل شکل گیری جامعه مدنی و با استفاده از مکانیزمهای قابل تعریف ، می خواهد از" شخص "به" فرد "ارتقاء درجه پیدا کند و به عنوان کارکتری خلاق و مبتکر در تمام حوزه ها نقش آفرینی کند و سپس منشا ثبات فکری و اخلاقی جامعه گردد .منابع:- تئودور آدورنو، زیبا شناسی انتقادی،ترجمه امید مهرگان، گام نو، ۱۳۸۲- آدورنو و هورکهایمر، دیالتیک روشنگری، ترجمه مراد فرهاد پور و امید مهرگان، گام نو- ریچارد رورتی، اولویت دموکراسی بر فلسفه، ترجمه خشایار دیهمی، طرح نو- یورگن هابرماس، جهانی شدن و آینده دموکراسی منظومه ی پساملی،ترجمه کمال پولادی، مرکز- ژان پل سارتر، در دفاع از روشنفکران، ترجمه رضا سید حسنی،نیلوفر- فصلنامه روژه ف، شماره ۴ و۵، زمستان و بهار ۸۶-۱۳۸۵- هربرت ماکوزه، خرد و انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، جاویدان- هربرت ماکوزه، گفتاری در رهایی، ترجمه محمود کتابی، پرسش- رابیرت ب.پی یین، نیچه و سه رچاوه ی چه مکی مودیرنیزم، وه رگیرانی بو کوردی ئیسماعیل ئیسماعیل زاده- به ختیار عه لی، خوینه ری کوشنده

http://www.qelem.com/farsi/mqale/babatekan/۶۵.htm*

از نقد سند تا نقد متن

نویسنده، در این نوشتار، علم حدیث را به گروهی از علوم نقلی محض وابسته می داند که پیشینیان، همراه علوم قرآنی و تفسیر و سیره ی نبوی(ص) و فقه، برای ما، به یادگار گذاشتند و عقل را در آن به کار نگرفتند. این امر به

دلیل اعتماد آن بر روایت بود. اینان از آن هنگام گروهی دیگر از علوم عقلی و نقلی را ساخته و عقل را نیز در آن به کار گرفتند.تحول از نقد سند به نقد متن، کوششی است برای تبدیل علم حدیث از علمی نقلی به علمی عقلیِ نقلی با تکیه بر علوم انسانی و اجتماعی نوین مانند زبان شناسی وادبیات، فلسفه، زیبایی شناسی، روان شناسی و... .وی معتقد است تطبیق این علوم، در بررسی متن ها، پس از شکوفایی در غرب، به مکتبی تبدیل شد که کامل ترین آن در آلمان (دهه‌ی بیست) بود. مکتب انواع ادبی و تطبیق آن بر انجیل ها به گونه ی کلی صورت گرفت و بر انجیل‌های رسمی به گونه خاص و... .شکوفایی علوم انسانی و اجتماعی در غرب رشد کرد. در فرهنگ اسلامی نیز تسری یافت و جزیی از فرهنگ اسلامی شد. تحول، از نقد سند به نقد متن، بر هیچ مکتب پوزیتیویستی (ابطال گرایانه) (وابسته به تمدن غرب) تکیه نداشته؛ جنبه‌ی تحکیمی دارد و وظیفه‌ی آن تنها فهم وعلت یابی است.اصولیان پیشین، متن را به همان اندازه ای بررسی کردند که در سند پژوهیدند. برخی از صوفیان بررسی حدیث را، از نظر سند، رد کردند و بر نقد متن و تجربه زنده تأکید کردند.ابن عربی، از محدثان، می گوید: «از قلبم، از کردگارم روایت است که

فرمود.» و برحدیث شناسان طعنه می‌زند و می گوید: «علومتان را از مرده‌ای به نقل از مرده‌ای فرا می گیرید و ما علوم خودمان را از خدای زنده‌ی نامیرا فرا می گیریم».وی، در ادامه، می‌نویسد که حدیث تابع قوانین روایت شفاهی است. خلفای چهارگانه از تدوین حدیث امتناع کردند تا با قرآن در نیامیزد. علمای حدیث در طول تاریخ، به کار گردآوری حدیث برخاسته اند. بسیاری از احادیث چندین بار تکرار می‌شوند و این تکرار به پژوهشگران معاصر فایده می‌رساند که منطق زیادت، نقصان و پیوند لفظ با معنا، قوانین قیاس ابداعی و قوانین تذکر و نسیان را باز شناسند.شگفت این که در همان هنگام که تکرار به بالاترین اندازه می رسد کنار گذاشتن احادیث دیگر صورت می پذیرد. به راستی معیار کنار گذاشتن و گزیدن چیست؟ تحلیل صحیح بخاری قله‌ی آن چیزی است که علم حدیث بدان دست یافته است؛ یعنی یقین از نظر سند.وی در ادامه می نویسد: «تبویب نوین، در عرصه‌ی پژوهش‌های حدیثی به پژوهشگران کمک می کند و امکان می‌دهد که علم حدیث بر ساختار جدید استوار گردد و به پاسخ دادن به خواسته‌های روز و ضرورت‌های علوم انسانی و اجتماعی کمک نماید».قرآن و حدیث‌علم حدیث، در کتب حدیثی رابطه ی قرآن وحدیث را آشکار می سازد. هر دو وحی اند و از نزد خدا اما با دو درجه ی مختلف؛ قرآن، وحی مستقیم است و حدیث، وحی غیر مستقیم.وی درباره ی جایگاه حدیث ، از دیدگاه محدثان، می نویسد که گاه محدثان به گونه ی دیگری با علوم نص آغاز می کنند به این ترتیب که حدیث، نص است و علوم روایت و تدوین، نقل شفاهی‌اند و گاهی فقط روایت و آیات قرآنی‌اند و گاهی نیز بدون قرآن و مستقل از آن.گاهی هم قرآن در آغاز به عنوان اصل آورده می شود، پیش از آن که حدیث به عنوان فرع به آن مستند گردد. گاهی هم بالعکس و... .افزون بر رابطه ی قرآن با حدیث، رابطه ی سبب و علت نیز در کار است زیرا حدیث اسباب نزول برخی از آیات قرآن را یاد می کند. حدیث، در شرح قرآن، فراوان است به ویژه ظاهر وباطن. این مجال گسترش دادن به آفرینش ذهنی و رها ساختن عنان برای شناوری در باطن می باشد. کتاب تفسیر صحیح بخاری چنین پیوندی را میان قرآن و حدیث روشن می‌سازد؛ گاهی قرآن به تصحیح حدیث می پردازد زیرا که قرآن معیار است و حدیث تاریخ؛ گاهی قرآن با حدیث در میآمیزد و گاهی به صورت بخشی از حدیث در میآید؛ گاه قرآن، در روایت و سیاق سخن، به زبان صحابه پدیدار می گردد تا یادآوری بر پیامبر(ص) باشد. از این رو جدایی میان حدیث و قرآن دشوار است. در یک جمله قرآن، به معنای علم، حدیثی است که از طریق وحی به پیامبر(ص) رسیده است و حدیث، گفته‌ی پیامبر(ص) به معنای خاص. در نتیجه، این پرسش صحیح است: آیا حدیث، وحی از نزد خدا است یا در پاره‌ای حالات که پیامبر(ص) نمی‌تواند آنها را بیرون از اسباب نزول پاسخ گوید وحی می‌باشد، زیرا وابسته به قرآن است؟پیوند دیگر به صورت عین متن میان قرآن و حدیث وجود دارد که همان حدیث قدسی می باشد. حدیث قدسی، میانه ی قرآن و حدیث و کم تر از قرآن و فراتر از حدیث است. مانند قرآن، از نظر لفظ و معنا، وحی است، ولی مانند حدیث در آن تا حد زیادی آفرینش خیالی موجود می باشد.

http://www.hawzah.net/Hawzah/Magazines/MagArt.aspx?MagazineNumberID=۴۴۸۲&id=۳۴۶۸۶

روشهای موثر انتقاد سازنده

مقدمهانتقادپذیری و انتقاد کردن موثر دارای اهمیت زیادی برای موفقیت سازمانی است. اموری چون ارزشیابی عملکرد ، مشارکت در تیم‌های کاری ، خدمات رسانی به مشتریان و کنترل کیفیت ، بستگی به بکارگیری مطلوب انتقادپذیری و انتقاد کردن دارد و کار پیچیده‌ای است. انتقاد با ابراز احساسات درباره موضوعات پیچیده و مشکل ، می‌تواند تخریب کننده و حتی بسیار خطرناک باشد. بکارگیری ضعیف انتقاد ، منجر به شکست افراد و سازمان‌ها می‌شود، از سوی دیگر استفاده آگاهانه و خردمندانه از انتقاد به شکوفایی افراد و سازمان‌ها منجر خواهد شد.انتقاد از افراد قدرتمند و مافوق بدون ترس و خشمانتقاد نقش عمده‌ای در روابط

اجتماعی ایفا می‌کند، از انتقادها می‌توان برای ایجاد تحرک در اشخاص و نفوذ در آنها ، آموزش ، بیان نیازها و خواسته‌ها و یا محرکی برای اصلاح و پیشرفت خود استفاده کرد. انتقادپذیری موثر نتایجی چون: افزایش رضایت شغلی ، ایجاد روابط کاری مناسب ، تقویت سلامتی فکری و روحی ، ایجاد عزت نفس ، افزایش سطح بهره‌وری و افزایش رقابت برای تضمین موفقیت را به دنبال دارد. اگر انتقاد کننده و انتقاد شونده می‌خواهند به هدف انتقاد سازنده که همانا تغییر رفتار خاصی است دست یابند، باید با یکدیگر همکاری کنند. برای دستیابی به مفید ضروری است تا از روش‌های انتقاد موثر و سازنده استفاده نمود.انتقاد دوستانه و مشفقانهانتقاد اطلاعاتی است که می‌تواند به رشد فرد کمک کند و دانش و مهارت‌های مناسب را به افراد آموزش دهد. افراد با مشاهده و درک نتایج ارزشمند انتقاد ، پذیرای انتقاد می‌گردند و یا قادر به ارائه انتقاد می‌شوند.انتقاد برای بهبودمحور اساسی هر انتقاد موثر توجه به نقش سازندگی است، بهبود و ارتقا ، معادل تغییر دانش ، تغییر نگرش و تغییر عملکرد فردی و سازمانی در جهت مثبت است. در واقع هدف انتقاد باید اصلاح و تکامل فکر و رفتار فرد مقابل باشد.انتقاد استراتژیکانتقاد بایستی ضمن داشتن اهداف بلند مدت ، راه‌های نیل به آنها را نیز بیان کند. هر فردی قبل از انتقاد لازم است سوالات زیر را از خود بپرسد •:دقیقا از برقراری ارتباط چه انتظاری دارید •؟چه رفتار یا خصوصیتی باید تغییر کند •؟انگیزه‌های انتقاد کردن چیست؟چه راه حل‌ها و اهداف خاصی را می‌توان ارائه کرد و چه فعالیت‌هایی برای دسترسی فرد به اهداف مورد انتقاد می‌توان انجام داد؟ایجاد عزت نفس در افراداحساس عزت نفس یکی از نیازهای اساسی کارکنان است. آنان برای برآورد این نیاز ناچار به احترام گذاردن به دیگران هستند، بنابراین یک رابطه دو طرفه چرخشی مثبت و یا منفی را می‌توان در این خصوص ایجاد کرد.انتقاد با کلمات مثبت ، محترمانه و انگیزشیاین امر منجر به بهبود برقراری ارتباط و در نتیجه پذیرش آن می‌شود. به این جهت لازم است کلمات مناسب برگزیده و بیان شود.انتقاد از روش و محتوادر انتقاد محتوا و روش نیز بایستی لحاظ شود. با نهادینه سازی این نکته می‌توان از سیستم ارزشیابی خود استفاده نمود و به این وسیله از قدرت تفکر به شیوه‌ای غیردفاعی بهره‌برداری کرد.مشارکت طرف مقابلطرف مقابل خود را دخالت دهید، برای مشارکت دادن طرف مقابل رعایت نکات زیر ضروری است •:بر اهمیت شغل فرد تأکید شود •.شرایط انتقاد شناسایی شود •.دقیقا بیان شود که چگونه انتقاد برای طرف مقابل مفید خواهد بود •.از فرد خواسته شود که چگونه می‌توان برای اجرای طرح به او کمک کرد و چگونه می‌توان از او در این راستا حمایت کرد؟توجه به شایستگی‌هابه شایستگی‌های طرف مقابل توجه نمایید، بدون این که از کلمه اما استفاده کنید. اغلب افراد برای انتقاد کردن ابتدا به بیان جنبه‌های مثبت فرد پرداخته و سپس از کلمه اما استفاده می‌کنند و به بیان نقاط ضعف وی می‌پردازند، در حالی که کلمه اما حذف کننده ارزش پیام قبلی است، در صورتی که اگر از حرف ربط و استفاده شود، عکس این حالت است و با جملات قبلی انسجامی بوجود می‌آید. در مجموع کلمه و اثر بلند مدت و نیرومندتری را به جای می‌گذارد.بیان شفافآن چه را که می‌خواهید مورد انتقاد قرار دهید، بطور دقیق و شفاف بیان کنید، صراحت کلام انتقاد را موثر می‌نماید.انتخاب زمان مناسبانتقاد در زمان مناسب منجر به پذیرش آن در طرف مقابل می‌شود. انتقاد بایستی برای عده‌ای بلافاصله بعد از خطا و برای عده‌ای دیگر با گذشت زمان انجام شود، ضمن این که ضروری است در هنگام خشم از افراد انتقاد نشود.استفاده از سوالمی‌توان انتقاد را در قالب طرح یک سوال یا مجموعه سوالاتی عنوان کرد که جواب آنها به هدایت طرف مقابل برای دریافت اطلاعات دقیق و اساسی منجر می‌گردد.ناکارایی انتقاد شفاهیهنگامی که بطور شفاهی قادر به انتقاد نیستید، با عمل و رفتار خود انتقاد را طرح کنید، گاهی بهتر است از روش رفتاری بهره‌برداری شود. یعنی به جای این که چیزی بیان شود، کاری انجام گیرد و از طریق مداخلات رفتاری تفکر مورد نظر منتقل شود.مشخص کردن انتظاراتگاهی افراد انتظار دارند که اشخاص همان رفتاری را دارا باشند که از آنها انتظار داریم، در این حالت انتظارات ما موجب می‌شود که انتقاد زودرس و غیرموثر داشته باشیم چرا که مخاطبین خود را به خوبی از توقعات خود آگاه نکرده‌ایم.میزان ذهنی بودن انتقادواقعیت‌ها نبایستی صرفا در قالب ذهنیت فرد بماند، بلکه بایستی دیگران نیز آن را درک کرده و بپذیرند. مثلا اگر طرف مقابل انتقاد شما جملهٔ این

انتقاد صرفا اعتقاد شماست. را بکار برد، حتی اگر این انتقاد برای شما مبتنی بر واقعیت عینی باشد، معنی آن این است که ارزشیابی ذهنی طرف مقابل برای قضاوت در مورد یک رفتار یا ویژگی خاص را لحاظ نکرده‌ایم.ایجاد انگیزه در افرادیکی از وظایف اساسی انتقاد موثر ، برانگیختن افراد برای انجام بهتر کارهاست. انگیزه یک مفهوم روانشناسی است که در اشکال و حالت‌های گوناگونی همچون افکار، احساسات ، کلمات خاص و ... مطرح می‌شود.بهره‌برداری از نقشه‌های ذهنی طرف مقابلاستفاده از اصطلاحات ، احساسات و نقشه‌های ذهنی طرف مقابل منجر به شناخت و برقراری مناسب ارتباط با وی می‌شود، برای این منظور به سخنان کسانی که در اطراف شما صحبت می‌کنند گوش کنید و از ارزش‌ها و علایق آنها مطلع گردید تا در صورت نیاز به انتقاد با او همزبان شوید و راحت‌تر ارتباط برقرار کنید.همگامی با انتقاد شوندههمگامی با کسی که مورد انتقاد قرار می‌گیرد، مقدمه ، رهبری موثر و در این جا پیش زمینه انتقاد موثر است.شناسایی معیارهای انتقادانتقاد صحیح مبتنی بر معیارهای خاصی است. قبل از انتقاد برای خدمت به مشتری و یا ارتباط با همکاران سوالات زیر را ازخود بپرسید •:آیا این انتقاد عملی است •؟آیا می‌توان بلافاصله از آن استفاده کرد •؟آیا منافعی را تامین می‌کند •؟آیا انتقاد پاسخگوی نیازهاست •؟از چه معیاری استفاده شود •؟آیا دیگران از معیاری که برای قضاوت در مورد اعمال و نتایج کارهای آنها استفاده می‌شود، آگاهی دارند •؟آیا معیارها ثابت‌اند یا طی زمان باید تغییر کند؟جواب سوالات فوق به بهبود و افزایش انتقاد مثبت و موثر منجر می‌شود.گوش دادن به ندای درونیافراد همیشه با خود ارتباط ذهنی برقرار می‌کنند، این مکالمات درونی ساز و کاری است که باعث می‌شود افراد از ارزشیابی‌ها و انتظارات خود آگاه می‌شوند. هنگامی که انتقاد می‌کنید و یا مورد انتقاد قرار می‌گیرید، به مشاهده و شنیدن دنیای درون خود بپردازید. وقتی به ندای درون خود توجه کنید و آنها را مورد بازنگری و تجدید نظر قرار دهید، افکار بهره‌ور و متناسب با شرایط و محیط جدید بوجود می‌آید، زیرا احساسات برافروخته شما ، کنترل شده و به شما کمک می‌کند تا صدای قدرت انتقاد موثر و مثبت را بشنوید.حفظ آرامش و خونسردینداشتن آرامش در زمان انتقاد ، به تضعیف انتقاد منجر می‌شود. اگر فردی قادر به حفظ خونسردی ، آرامش و هوشیاری در زمان مواجهه با انتقاد باشد، می‌تواند احساسات خود را کنترل کند و بهره‌وری خویش را افزایش دهد. به علاوه فرد قادر به ارزیابی شرایط بطور دقیق بوده و پاسخ مناسبی را به آن شرایط خواهد داد.نتیجهدر جهان امروز نقش احساسات و افکار انسانی در توسعه و تکامل انسان‌ها ، سازمان‌ها و جوامع پررنگ گشته است و برقراری ارتباطات و هم‌اندیشی بین آنها از اهمیت بیشتری برخوردار گشته است. اگر فردی آگاه و توانمند نسبت به احساس و عملکرد ضعیف و نامطلوب افراد یا واحدهای دیگر بطور مطلوب و مفید اظهارنظر کند، از قدرت انتقاد موثر و مثبت بهره‌برداری کرده است، او به خوبی به نقاط قوت و ضعف طرف مقابل واقف است و درصدد تقویت نقاط قوت و حذف نقاط ضعف وی برمی‌آید.به علاوه به آگاه سازی وی از فرصت‌ها و تهدیدات محیط می‌پردازد. مدیران آگاه برای اصلاح و توسعه فردی ، گروهی و سازمانی و نیز برای انتقال دانش و مهارت خود به دیگران و اصلاح آن‌ها لازم است تا از قدرت انتقاد مثبت برخوردار باشند. چرا که در فرایند مشاوره علاوه بر مهارت فنی ، مهارت انسانی و رفتاری حائز اهمیت بسیاری است. از سوی دیگر هر انسانی که مورد انتقاد قرار می‌گیرد، با بکارگیری هوشمندانه و به دور از تعصب و احساس ، می‌تواند به اصلاح دانش ، نگرش و مهارت‌های خود اقدام کند.در مجموع انسان‌ها نیازمند انتقاد کردن و انتقادپذیری موثر و مثبت برای تکامل خود ، گروه و سازمان هستند. این نقد افراد ، سازمان‌ها و جوامع را به سوی تعالی سوق می‌دهد در حالی که نقد منفی ، روحیه خصومت و پرخاشگری و تضاد را گسترش داده و افراد و سازمان‌ها را به سوی عدم بهره‌وری از منابع انسانی و مادی و در نهایت نابودی آنها سوق می‌دهد.منبع : www.roshd.ir – رشد

آموزش سواد اطلاعاتی اینترنتی : یک ارزیابی انتقادی

میخائیل اوسولیوان

وابستگی اینترنتییکی از مزیت های اینترنت میزان اطلاعات موجود در آن می باشد. هنگامی که یک جستجوی اینترنتی دریک موضوع انجام می شود هزاران سایت در ارتباط با آن موضوع در مقابل ما قرار می گیرد ، بنابراین یک فرد بطور غالب اطلاعات نا محدودی در اختیار خواهد داشت. به عنوان مثال در این توضیح دانش آموزان دبیرستانی تصور می نمایند که اینترنت یک منبع قطعی برای هدایت تحقیقاتیشان می باشد . بهرحال در این جویبار (اینترنت) در آموزشکده ها به مثابه سوپربزرگراههای اطلاعاتی می باشد تا آنها را در سطح کلاس درس به بعنوان یک ابزار آموزشی کمک وهدایت نماید. معلمین و کتابداران با یک وضعیت دشوار در رابطه با استفاده از اینترنت در کلاسهای درس بعنوان یک ابزار تحقیقی مواجه اند در نتیجه مدرکی در دست است که معلمین دبیرستان متوجه شده اند که دانش آموزان شیفته اینترنت هستند . کدام موضوع جستجو اهمیت دارد مهم نیست بلکه مهم اینست که دانش آموزان متقاعد شده اند که می توانند آن موضوع را در اینترنت بیابند . چه چیزی باعث جذابیت اینترنت برای دانش آموزان دبیرستانی گشته است ؟ چرا آنها ازمنابع دیگر غافل شده اند ؟ مقالات اخیر در سایت های ادب وهنر همه مثالهایی هستند از روشهایی که دانش آموزان وابستگی بیشتری به اینترنت بعنوان منبع منحصر بفرد اطلاعات پیدا کرده اند زمانیکه دانش آموزان در این فناوری مهارت پیدا کردند تازه می فهمند که دارای کمبودهایی هستند و تا هنگامی که در خط مشی های تحقیقات بصورت موثر رشد نکنند ودر اطلاعات اینترنتی قضاوت نکنند آرام نمی گیرند . مشاهدات فردی دانش آموزان نشان از این دارد که آنها از اینترنت وسایتهای پذیرفته شده ادبی استفاده می نماید . در این مقاله طراحی ، توسعه و تحلیل نتایج را از یک واحد سواد اطلاعات اینترنتی را مورد بحث قرار می دهیم .آیا این وضعیت دشوار قابل اعتماد می باشد؟ درک این حقیقت که اینترنت دسترسی آسان به اطلاعات منظم و وسیع را فراهم نماید یک انگیزه قوی در دانش آموزان به منظور به کار گیری اینترنت در انجام وهدایت تحقیقاتشان ایجاد می نماید . بهرحال این توانایی مجزا می نماید اطلاعات مناسب را از اطلاعات نامناسب دراینترنت که یک وظیفه پیچیده می باشد . در حدود یک سال پیش ما درگیر یک سناریوی تحقیقاتی اینترنتی در سطح دبیرستان شدیم . یکی از آن دانش آموزان در کلاس مطالعات اجتمایی از اینترنت برای پیدا کردن اطلاعاتی در موضوع Capital Punishment استفاده نمود . او در یک سایت نقل قولهایی را در باره مجازات مرگ سوپر م کارت جاستیس ویلیام برن و پادشاه کورتا اسکات پیدا کرد . از زمانیکه ارجاع کتابشناسی (در استفاده از سایتها) لازم شد ،این دانش آموز درخواست کمک نموده تا نویسندگان(طراحان) این وب سایت مشخص شوند . مشخص نمودن یک نویسنده خاص یا یک منبع از وب سایتهای کامل می تواند مشکل باشد ولی غیر ممکن نیست . بعد از تعیین مسیر برای این دانش آموز و جستجوی صفحات نمایش به چند دلیل ارتباط با یک home page(هوم پیج) لازم شد تا ما قادر باشیم منبع اطلاعات را تعیین نماییم . ما راهی را برای جستجوی capital punishment کشف کردیم . این دانش آموز به اندازه کافی باهوش بود تا بگوید او اطلاعات قابل اطمینان در اختیار نداشته و خودش این اطلاعات را بدست آورده است . بهرحال دانش آموزان زیادی هستند که کورکورانه اطلاعاتی را که در اینترنت می یابند آنرا به عنوان قسمتی از مقاله تحقیقی یا پروژه چند رسانه ای پذیرفته و مورد استفاده قرار می دهند .آموزش مهارتهای سواد اطلاعاتی بوسیله ارزیابی اینترنت برای نشان دادن فقدان درک کیفیت اطلاعات اینترنت، ما در پی توسعه و تکامل واحدی تحت عنوان واحد سواد اطلاعاتی اینترنت در طی یک دوره ۳ روزه بر آمدیم تا تفکر انتقادی را در دانش آموزان در استفاده از اینترنت بهبود بخشیم . مشاهدات و تحقیقات ما نشان داد که یک درک ساده و بی تکف در دانش آموزان نسبت به محتوا ، ساختار و انواع اطلاعات اینترنتی بوجود آمده است . پذیرش چشم بسته اطلاعات اینترنت بوسیله عده ای از دانش آموزان یکی ازدلایل انتقادی است که چرا دانش آموزان به مهارتهای سواد اطلاعاتی نیاز دارند . سواد اطلاعاتی دانش آموزان را آماده می کند تا دانش و مهارتهای لازم را بطور مناسب و موثر برای دسترسی به اطلاعات کسب نمایند . تا بطور دقیق اطلاعاتی را که آنها از هر منبعی دریافت کرده اند بصورت خاص مورد ارزیابی قراردهند. واحد سواد اطلاعات اینترنتی که مارا در چنین سطحی از مطالعات

اجتمایی در سطح دبیرستان هدایت می نماید می تواند به آسانی برای هر ناحیه موضوعی مورد پذیرش قرار گیرد . اولا ما به دانش آموزان یاد می دهیم ساختار و اصطلاح شناسی سازمانیافته را در اینترنت و اینکه چگونه URL هارا آماده کنند و مثالهایی از پیش تعیین شده وب سایتهای غیرقابل اعتماد را ترجمه و موشکافی نمایند . درک اینکه ساختار یک URL چگونه می باشد ، هرکدام از ابزارهای آماده شده شامل چه چیزهایی می شود ، روشی برای شروع ارزیابی یک سایت اینترنت می باشد . دانش آموزان نیاز دارند پسوندهای یک دومین که شامل edu ، .gov ، .org ، . com. و غیره می باشد بفهمند . بهرحال قضاوت کردن در باره یک سایت اینترنتی بوسیله دومین و پسوندش کافی نیست . باید قضاوت را بعهده خود دانش آموزان گذاشت که اطلاعات خوب را از اطلاعات بد تشخیص دهند . در حقیقت یک استاد از دانشگاه مهندسی شمال غربی نظریه هایی را در باره تجدید نظر در باره هولوکاست از سایت NWU.edu منتشر کرد که ما را مجبور کرده تا سوالی را در این مورد طرح نماییم و بتوانیم اطلاعاتی را از سایتهای خوب دانشگاهی در این مورد بدست آوریم . ثانیا ما نشان می دهیم یک ملاک ارزیابی پنج مرحله ای را که عموما بوسیله کتابداران برای ارزیابی منابع و پذیرش ارزیابی اینترنت کاربرد پیدا کرده است . این ملاک شامل دقت ، مسئولیت ، هستی ، انتشار و پوشش می گردد . در این ملاک کاربردی ، ما سه سایت اینترنتی مختلف را ارزیابی می کنیم که همه آنها همان موضوع را مورد بحث قرار می دهند . هر موضوع می تواند برای اثبات و نمایش انتخاب شده باشد اما این سه وب سایت بصورت عالی راههای مختلفی را درهمان موضوع به ما نشان می دهد که دراینترنت قابل انجام شدن است . در طول روز دوم و سوم واحد سواد اینترنتی ، دانش آموزان یک موضوع را از یک لیست موضوعات علوم اجتمایی انتخاب نمودند که بطورمشترک مطالعه ای بود در باره تاریخچه جهان یا برنامه آموزشی مطالعات جهانی ، از قبیل بودائیسم ، انقلاب فرهنگی ، هستی یا حقایق انسانی . هر کدام از دانش آموزان از یکی از موتورهای جستجوی معمول در موضوع مورد نظرشان استفاده کردند . دانش آموزان برای ارزیابی وب سایتها ازورک شیت استفاده کردند که درآن ابتدا سه وب سایت لیست شده را برای نتایج جستجویشان مورد ارزیابی قرار دادند این ساختاربصورت عملی طرح ریزی شد تا نگرش مرسوم دانش آموزان دبیرستانی را برای انجام و هدایت تحقیقشان تقلید کند . درنتیجه ما مشاهده کردیم که در بیس روزانه ، دانش آموزان بطور عموم خط مشی های جستجوی کارشناسانه ای را در انجام تحقیقشان انجام نمی دهند . در این تغییرات طبیعی اینترنت لازم است تا دانش آموزان خط مشی هایی را بصورت موثر بیاموزند که آنها را در مواجه شدن با هر وب سایتی هدایت نماید . دانش آموزان و دوگانگی اینترنت در نتیجه این فعالیت ، دانش آموزان این نتایج را مورد تحلیل قرار می دهند و دیدگاههایشان را در باره اینترنت بصورت خلاصه در می آورند و بعنوان جزئی از یادگیریشان قرار می دهند احساساتشان را در باره استفاده از اینترنت و بدست آوردن اطلاعات یادداشت می نمایند . به طور عموم ، این وضعیت معیارهای پیشنهادی را منعکس می کند که درآن اینترنت بصورت دوگانه اما واقعی برای تعداد زیادی از دانش آموزان دبیرستانی فراهم می شود . بعبارت دیگر، در توضیحاتشان نشان از یک شیفتگی به اطلاعات اینترنت وجود دارد . بعبارت دیگر، آنها این تغییرات را که محدودیت ها و محرومیت هایی در رابطه با تحقیقات انجام شده موثر در اینترنت وجود دارد پذیرفته اند . برای مثال ، دانش آموزی ارزش اینترنت را به این صورت خلاصه و جمع بندی کرده است : شما رشته وسیعی از اطلاعات دریک سایت اینترنت دراختیار دارید درحقیقت چنانچه دنبال کتابهایی هستید و مجبورید کتابهایی را پیدا نمایید و به آن رجوع نمایید در کامپیوتری که شما با آن کار می نمایید در مکانی مورد نظر کلیک می نمایید و آن را چاپ می کنید . بعلاوه اینکه شما می توانید در منزل وارد اینترنت شوید و مجبور نیستید به کتابخانه مراجعه نمایید . به تعبیر دیگر ، من فکر می کنم اینترنت ابزار یادگیری خوبی است . شما می توانید اطلاعاتی را که نیاز دارید به سرعت و آسانی پیدا نمایید اگر چه در این توضیحات پیشنهادی ، دسترسی به اطلاعات به عنوان مزیت عمده استفاده از اینترنت برای تحقیق مشاهده شده است . قابلیت های زیادی در اینترنت وجود دارد که نمی تواند همه اطلاعات مورد نظر ما را پوشش دهند و ممکن است با موضوع ارتباط داشته یا نداشته باشند . بعبارت دیگر

، یکی از محدویت های بیان شده مرسوم مشکلی است که این دانش آموزان آن را تجربه کرده اند و در ذات اینترنت وجود دارد ، اگرچه توضیح زیر متصور می شود : به طور عموم من هرگز از اینترنت استفاده نمی کنم مگر اینکه مجبور باشم برای نیازهای کلاسیم از آن استفاده نمایم . اما بنظر می رسد هر زمانی که من سعی می کنم اطلاعاتی بیابم این کار برایم غیر ممکن می شود و هیچی بدست نمی آورم و من در پایان وقتم را تلف می کنم و مجبورم از کتابخانه و منابع دیگر استفاده نمایم . این حقیقت که دانش آموزان فکر کنند هیچ گونه اطلاعاتی دراینترنت درارتباط با موضوعشان وجود ندارد یک گمراهی است . دانش آموز دیگری بصورت موجز به این نکته اشاره دارد : من معتقدم که اطلاعات کذب زیادی در اینترنت وجود دارد اما من نمی توانم تشخیص دهم میزان این اطلاعات کذب چقدر است و چگونه می توانم آن را بصورت مقالات تحقیقی یا اسلایدهای نمایشی به ثبت برسانم .آموزش موثر خط مشی های تحقیق در اطلاعیه ای که واحد سواد اینترنتی برای دانش آموزان دبیرستانی صادر نمود اطلاعات موجود در اینترنت مشخص گردید و درهمان زمان مهارتهای تفکر انتقادی برای دانش آموزان توسعه پیدا کرد . ارائه دیدگاه مناسبی به دانش آموزان که منابع اینترنتی را بصورت انتقادی ارزیابی کرده به آنها کمک می کند که اطلاعات وسیعتری و درک مناسبتری از رشد مطلق اینترنت بدست آورند . در این فرایند ارزیابی وب سایت های مختلف ، دانش آموزان اطلاعات زیادی از محدودیت های اینترنت بعنوان یک ابزار تحقیقی بدست آوردند . دانش آموزان مذکور همچنین اعتقاد داشتند که نیاز به توسعه و استفاده از خط مشی های جستجوی خاص در هنگام استفاده از اینترنت لازم است . در این فرایند ارزیابی دانش آموزان یاد گرفتند که در باره انواع اطلاعات و استفاده از وب پیج ها تفاوت قائل شوند و قضاوت کنند . بر طبق نظر دانش آموزدیگری که گفته است : من فهمیدم که اینترنت می تواند برای دسترسی به اطلاعات مفید باشد ، اگر بدانید دنبال چه چیزی هستید و چه چیزی را جستجو می کنید .سواد اطلاعاتی : مهارتهای انتقادی شاید درس دیگراین باشد که این تجربه نور امیدی است تا نیاز به مهارتهای سواد اطلاعاتی را بصورت انتقادی در تمام دوران تحصیل در آموزشکده ضروری بدانند . ما نمی توانیم به دانش آموزان اجازه دهیم منحصرا به اینترنت برای اطلاعاتشان وابستگی پیدا کنند . ما کوشش می کنیم و نیاز داریم تا این دانش آموزان از تنوع منابع برای تحقیقشان استفاده کنند و آنها را آگاه می سازیم که اینترنت ابزار دیگری است که می تواند به انبارمنابع بازیابی اطلاعاتشان اضافه شود . این فرایند مشخص می نماید که اینترنت بصورت مستمر بر برنامه تحصیلی آموزشکده تاثیر می گذارد این واقعیتی است که دانش آموزان به مهارتهای سواد اطلاعاتی نیاز دارند تا در عصر اطلاعات ، اطلاعات جدید را تحت کنترل خود در آورند و خبره شوند.عنوان به انگلیسی : Teaching internet information litracy : a critical evaluationنوشته شده توسط : by Michael Scott مترجم : فرض الله عزیزی برگرفته ازسایت : http://infotoday.com/MMSchool/mar۰۰/osullivan&scott.htm

چگونه انتقاد کنیم

! مرکزاطلاعات فنی ایران

آیا تاکنون به این موضوع اندیشیده اید هر گاه مشکلی در سازمان شما پیش آید با آن چگونه برخورد می کنید؟ در چنین مواردی نخستین توصیه اینست: در تصمیم گیری شتاب نورزید، به سازمان خود اعتماد داشته باشید و با عملکرد صحیح این اعتماد را نشان دهید. سپس به ریشه یابی معضل بپردازید، بدون شک در تمام مراحل شناسائی مشکل باید خونسردی خود را حفظ نمائید. پس از آنکه اطلاعات مورد نیاز برای تحلیل مشکل را بدست آوردید، شرایطی مناسب برای قضاوت صحیح فراهم می آید و مشخص می گردد که آیا مشکل به وجود آمده ناشی از خطای یکی از کارمندان شماست یا روش و سیستم حاکم بر سازمان کارآئی لازم برای پیشگیری از بروز چنین معضلاتی را ندارد. شاید هم به این نتیجه برسید که گره کار و منشاء مشکل در سازمان شما نیست و همه

چیز بر مبنای سوء تفاهم شکل گرفته است. اگر در روند بررسی خود متوجه شدید که فردی یا افرادی اشتباه کرده اند دو راه پیش روی دارید، یا فرد خاطی را بدون توجه به سوابق وی و خدمات برجسته و مفیدی که انجام داده است، شدیداً مورد مؤاخذه قرار می دهید، تا درس عبرتی برای کارمند متخلف و سایرین باشد، یا روشی را در پیش می گیرید که در علم مدیریت" انتقاد سازنده "نام گرفته است.در روش اول کارمند درصدد توجیه اشتباه و دفاع ازخود بر می آید و برای اثبات این موضوع با ارائه فهرستی بلند بالا از مشکلات و نارسائی های کار و زندگی خود وقت شما را هدر می دهد یا سر را به زیر افکنده و سرزنش های شما را به بهای آبروی خود تحمل می نماید. اما در عین حال از شما دلگیر شده و این آزردگی خاطر تا مدتها با او خواهد بود. یقیناً، چنین رفتاری نه تنها کارآئی سازمان را افزایش نمی دهد، بلکه اثری منفی نیز بر جای می گذارد که در غایت به صورت کاستی ها و خطاهای دیگر در کار متجلی می گردد. افزون بر این، رفتار یک مدیر کارآمد هنگام مواجهه با اینگونه مشکلات باید مؤید این نکته باشد که مدیر آگاه و مجرب کارمندان صادق و راستگو را علیرغم خطاهایشان بیشتر دوست دارد و حاضر نیست وقت خود را برای شنیدن بهانه های پوچ صرف کند. بنابراین، مدیران نباید به گونه ای عمل نمایند که کارمند خاطی به بهانه آوردن و توجیه کاستی های کارش متوسل شود. به همین دلیل، مدیران مجرب توصیه می نمایند پیش از هر چیز شیوه انتقادکردن را مشخص نمائید و روش انتقاد را با معیارهای پذیرفته شده انسانی محک بزنید. سپس اگر واقعاً انتقاد کردن لازم است، این رهنمودها را بکار بندید:۱) انتقاد را تا زمان مناسب از دست نرفته است انجام دهید. صبر و بردباری خوب است و به ویژه شایسته مدیران پرمشغله است. اما اگربیش از حدزمان را تلف کنید شرایط حاکم برمحیط در زمان وقوع مشکل یا نارسائی از بین می رود و انتقاد بی معنی خواهد شد.۲) در هر نوبت فقط در یک زمینه انتقاد کنید نه آنکه مخاطب را به باد انتقادات ریز و درشت بگیرید.۳) تنها از روش کار انتقاد کنید نه از خود شخص یا اشخاص.۴) انتقاد را موجز و فشرده بیان کنید. زیرا، مخاطب شما در وضعی قرار دارد که صحبت های شما را بخوبی می شنود و درک می کند. سخنرانی کردن و تکرار نکاتی که لحظه ای پیش متذکر شده اید نه تنها لزومی ندارد بلکه تأثیر کلام شما را نیز از بین می برد.۵) توجه داشته باشید نکاتی را به عنوان انتقاد مطرح نمائید که در حیطه اختیارات و وظایف شخص مخاطب باشد، بطوری که وی بتواند در زمینه های مورد نظر شما فعالیت نماید و اشکالات کار را مرتفع سازد.۶) تا آنجا که امکان دارد انتقاد را در پوشش" پیشنهاد "و حتی" سؤال "مطرح کنید.۷) از گوشه و کنایه زدن به شخص مخاطب (که به ضعف مدیر در بیان تعبیر می شود) جداً بپرهیزید. این کار نشانه آن است که شما از شخص عصبانی هستید نه از اینکه کار درست انجام نشده است. به همین دلیل مخاطب در جبهه مخالف شما جای خواهد گرفت و حتی اگر گفته های شما درست و منطقی هم باشد آنها را قلباً نخواهد پذیرفت.۸) هنگام انتقاد از افراط بپرهیزید و از واژه هائی مانند" همیشه"، "هرگز "و ... کمتر استفاده کنید (مثلاً نگوئید" مثل همیشه کار در دایره تدارکات گره خورد "!یا" هیچ وقت نشد که بتوانم به کار شما آقای فلان اعتماد کنم "یا "صدبار گفته ام اما در شما اثر نکرده است) "این کلمات فاقد کاربرد لازم و تأثیر کافی درجهت سازندگی فرد است. در نتیجه با این رفتار، ثابت کرده اید که یا دقت نظر کافی در حل معضلات را ندارید یا منصف نیستید و در هر حال مطلب اصلی تحت الشعاع این شیوه رفتار نامعقول قرار خواهد گرفت.۹) برای انتقاد کردن پوزش نخواهید، زیرا در این صورت چنین استنباط می شود که شما در قابل انتقاد بودن موضوع تردید دارید.۱۰) نقاط قوت شخص را مورد تقدیر قرار دهید تا اطمینان یابد که شما خدماتش را نیز در نظر دارید. با این کار زمینه را برای پذیرش انتقاد در مخاطب فراهم کرده اید.۱۱) حرفها و درد دل مخاطب را نیز بشنوید زیرا ممکن است در قضاوت خود به راه خطا رفته باشید.۱۲) برای انتقاد از افراد مکان و شرایط مناسبی فراهم کنید. بهتر است انتقاد را در خلوت انجام دهید. درغایت اگر بتوانید درکارمندی که مورد انتقاد قرار می گیرد شوق ارائه کار بهتر، دقت بیشتر در انجام امور محوله، فعالیت و تحرک بیشتر و ... به وجود آورید در انتقاد از کارمند خود موفق بوده اید. در نتیجه هر روز استعدادها و قابلیت های بیشتری در سازمان شما شکوفا می شوند و چنین سازمانی بدون شک راه پیشرفت را خواهد پیمود. بالعکس، چنانچه کارمند با

خاطری پریشان، عصبی، ناامید و افسرده شما را ترک کند، باید تبعات ناخوشایند این پیشامد را در کاهش بازدهی و بهره وری سازمان، خدشه دار شدن جو صمیمیت و .. انتظار داشته باشید. بنابراین اگر فکر می کنید انتقاد لازم باشد، با تأسی از روشی اصولی، سازنده و مثبت به گونه ای رفتار کنید که در غایت پیامد انتقاد، دریچه ای بسوی شکوفائی خلاقیت ها و استعدادها و پیشبرد اهداف سازمانتان بگشاید. مرکزاطلاعات فنی ایران

خلاقیت ، تفکر انتقادی

آنتونی وستون

خلاصه کتاب: علی اکبر ایزانلو-مترجم : کاوه بویری فصل اول: خلاقیت چیست؟ خلایت توانایی افکندن نو.ری تازه بر یک موقعیت، یک چالش یا یک مسئله است تا بدین وسیله امکان های جدیدی ایجاد شود که پیش از این آشکار نبوده اند. خلاقیت هنر گسترش امکان است؛ هنر یافتن فرصتی دور از انتظار برای پاسخ به مسائلی که از نظر بقیه کاملاـ لاینحل به نظر می رسند. توانایی فکر کردن «بیرون از جعبه» است وقتی بقیه اصلا نمی دانند که درون جعبه هستیم، خلاقیت در این معنا مهارتی است که باید مشتاقانه یاد گرفت.افراد خلاق معتقدند: آن ها در مقابل امور «معین» و (به ظاهر) «معلوم» متوقف نمی شوند؛ تخیلی قوی دارند، عادت کرده اند به شیوه های باز و انعطاف پذیر فکر کنند و ذهنشان را دو قدم از اشیاء در شکل موجو.دشان جلوتر نگه دارند.آن ها مبتکرند: آگاهانه به چیزهای جدید و راه های جدید فکر کردن را در سر می پرورانند.افراد خلاق منضبط و پیگیرند. خلاقیت همان طور که خواهیم دید نوع خاصی از بازیگوشی را می طلبد اما وادادن نیست و خلاقیت کار می طلبد. از ادیسون نقل شده است که الهام فقط یک درصد نبوغ را تشکیل می دهد و ۹۹ درصد بقیه، عرق جبین ریختن است. شاید او کمی مبالغه کرده باشد. من می گویم ۲۰ درصد الهام و ۸۰ درصد عرق ریختن؛ اما همین هم کم عرقی نیست.خلاقیت با نشان دادن دنیا آن طور که ممکن است باشد، چشم انداز کاملا جدیدی از دنیا آن طور که هست به ما نشان می دهد. هدف نقد در نهایت، سازنده بودن است: اینکه تفاو.تی را موجب شود. قسمت خلاقانه ی آن، به خصوص در همین جاست- این قابلیت که بتوان سه یا ده ایده ی جدید ایجاد کرد و مسائلی را که گیر کرده انمد از گیر در آورد بزرگترین نقش نقد است.اندیش ی انتقادی می تواند نیاز به ایده های جدید را به ما نشان دهد، آن ها را پالایش دهد و تشریع کند. اما اندیشه ی انتقادی بدون خلاقیت فقط روی یک پا راه می رود.فرصت های بروز خلاقیت در همه چیز از کوچکترین دردسرهای روزانه تا عالم کسب و کار و بزرگترین موضوعات اجتماعی، وجود دارند. امکانات غیر منتظره و حتی فوق العاده ای را می تو.ان بررسی کرد به شرط آن که دنبال آنها بگردی.نوید خلاقیت: در ایستگاه اتوبوسمبتنی است تاریک و طوفانی، در ماشین اسپرت دو نفری ات مشغول رانندگی هستی. به ایستگاه اتوبوس می رسی. سه نفر در ایستگاه به انتظار نشسته اند.یکی غریبه ای است که دارد از درد حمله ی قلبی به خود می پیچد؛ دیگری دوستی است قدیمی که یک بار جانت را نجات داده است؛ و نفر سوم، باور کنی یا نه، مرد یا زن رویای توست. کدامیک را سوار می کنی؟ظاهرا این معمای ساده در یک امتحان گزینش واقعی به عنوان آزمون خلاقیت مورد استفاده قرار گرفت. غریبه را هرچه سریعتر باید به بیمارستان رساند، از طرف دیگر، زندگی ات را مدیون دوست قدیمی ات هستی ؛ و دست آخر، مرد یا زن رویاهایت و این احتمال که اگر از او بگذری شاید دیگر هرگز او را نبینی و ماشین: فقط برای یک نفر جا دارد.ماجرا از این قرار است که داوطلب برنده ی آن شغل، از بین ۳۰۰ نفر، لحظه ای تردید به خود را نداد که این جواب را بدهد: «کلید ماشین را به دوست قدیمی ام می دهم تا آن غریبه را به بیمارستان ببرد و بعد با زن رویاهایم منتظر اتوبوس می مانم.دو درس در این داستان وجود دارد. یکم که سخت نیست یاد بگیریم «که خارج از چارچوب فکر کنیم» هر چه باشد، دوم حتی اوضاعی که »مخمصه» ای تمام عیار به نظر می رسد، امکان های غیر منتظره ای دارد. فصل دوم: شروع کنیمکه شامل نیروی عادت – نیاز به روش – دعوت به تداعی های نامتعارف می باشد

که برای هر یک توضیحی مختصرا داده می شود.نیروی عادت: در واکنش به اعتیاد ناشی از مصرف بی رویه ی مورفین در گذشته ، پزشکان به اجتناب از تجویز این ارو عادت کرده اند که غریزه ی رشد خانوااده ها و پزشکان می ترسیدند که مورفین اعتیادآور باشد و دارویی مخدر است هر چند امروزه منابع بسیاری گزارش می دهند که الزاما اعتیاد آور نیست.نیاز به روش: ما برای شکستن «گرایش» یا «فکر کردن بیرون از جعبه» به روش نیاز دارمی . کافی نیست که فقط به کسی بگوییم «خلاق باش!» یا «جعبه ی عادت ها را بشکن!» بدون راهنمایی بیشتر، یکی دو قدم دور و بر همان دایره های قدیمی می رویم و از جایی نزدیک همان جای قبلی سر در می آوریم.دعوت به تداعی های نامتعارف: یک روش برای فکر کردن خارج از جعبه را معرفی می کند، با بررسی همین یک روش، احساس خوشایندی در تو ایجاد می شود – حس خوبی نسبت به اینکه چطور آن را بکار بگیری و تو چه کمکی ممکن است بکند.روش آن است که یک «متن» را کاملا- تصادفی انتخاب کن بعد از خودت بپرس وقتی که آن را کنار مسئله یا سوالت می گذاری، چه تداعی ها یا ایده هایی را در ذهنت بیدار می کند.فعلا- کافی است، تقریبا کافی است.چند راهنمایی سریع و یادآوری برای تداعی آزاد و به سوال یک روش خلاقیت می باشد عبارت است از :۱- پیش داوری ممنوع! یعنی اینطور اظهار نظر نکن که یک تصویر تصادفی یا کلمه ی تصادفی هیچ تداعی آزاد مفیدی به ذهن نمی آورد مگر آنکه اول آن را امتحان کرده باشی.۲- هر تداعی نا آشنا یا مسخره یا حتی تداعی تابد را هم جدی بگیر. آن ها هم می توانند چیزی القا کنند.۳- به این کار ادامه بده. مطالعه نشان می دهد که معمولا اگر از فکر پراکنی ها بخواهند که بیشترین ایده ها را بدهند، بهترین ایده ها را عرضه می کنند.یک نکته: راه حل شیمی دان مبتکر آلمانی آگوست ککوته را برای حل مسئله ی مولکول بنزین که راحت در مدل زنجیره ای ساختار مولکو.لی پای نمی گرفت. ککوله هفت سالی بود که با این مسئله کلنجار می رفت. یک روز مقابل شومینه خوابید و در خواب مارهایی را دید که دم یکدیگر را گاز می گیرند. وقتی از خواب بیدار شد فهمید که مولکو.ل بنزین ممکن است یک شکل زنجیره ای خطی نباشد بلکه یک حلقه باشد و مسئله ی بغرنج حل شد. با این همه، اگر او با عصبانیت از خواب بیدار شده بود و به خودش گفته بود «بگذار این فکر احمقانه ی مارهایی را که دم یکدیگر را گاز گرفته اند از سرم بیرون کنم و برگردم سر مسئله!» شاید هیچ وقت نمی توانست آن را حل کند. فصل سوم: گزینه هایت را چند برابر کنمنظور از گزینه هایت را چند برابر کن یعنی ۱- تفاوت ها و شباهت را پیدا کردن ۲- اعتراف کردن ۳- اشاره ها را گرفتن ۴- به سرعت نور فکر کردن ۵- به هم ریختن و جفت و جور کردنغراق کردن: تداعی نا متقارن یک راه و تنها یک راه برای ایجاد محرک هایی بدون نقشه ی قبلی است. راه های دیگری هم هست. باز هم می گوییم هدف این نیست که بلافاصله یک ایده ی به درد بخور ایجاد کنی، بلکه هدف باز کردن «جعبه» است ایجاد امکانات جدید. یک راه فوق العاده همین اغراق کردن است، یعنی یک جنبه از مسئله را بگیری و تا جایی که ممکن است به آن شاخ و برگ بدهی کاربرد دیگری از اغراق چیزی ست که دوبونو به آن می گوید روش «وسط غیر ممکن» . او می گوید یک راه حل بی نقص هر چند غیر واقعی ، برای مسئله ات تصور کن ، بعد از آنجا برگرد و به یک راه حل واقعی برس. اولین گام خیالی ات راه حل بی نقص هر چند غیر واقعی، برای مسئله است تصور کن. بعد از آنجا برگرد و به یک راه حل واقعی برس. اولین گام خیالی ات را واقعا بزرگ بردار. بهتر است که بعدا آن را تعدیل کنی تا اینکه یک ایده ی نیمه کاره ی ناقص را به سمت چیزی بزرگ تر بکشانی. به صرعت نور فکر کنآلبرت انیشتین زندگی حرفه ای را به عنوان کارمندی در اداره ی ثبت اختراعات در سوئیس شروع کرد و در عین حال با یک شغل ؟؟؟ پیش پا افتاده کسری هایش را جبران می کرد. (از قرار معلوم، حتی در درس ریاضی اش افتاد).او در وقت فراغت و بی هیچ تجهیزاتی به فیزیک می پرداخت. چیزی که داشت تخیل بود. بینش عمیق او نتیجه ی قدرت اغراق ریشه ای او بود. سرعت نور بسیار بالاتر از سرعتی است که کسی تا به حال با آن سفر کرده باشد یا حتی شاید بعدها بتواند سفر کند. آزمایش انیشتین دقیقا یک « » بود، اما این آزمایش فکری به او امکان داد چیزی را ببیند که ما، در حالی که با اشیاء در دنیای معمولی سر و کار داشتیم، نمی توانستیم ببینیم (او قادر به درک این مسئله شد که زمان بسته بهس

رعت نسبی، متفاوت گـذر می کند) انیشتین از تخیلی فعال برخوردار بود که انقلابی در فیزیک را باعث شد و دنیای ما را دگرگون کرد.راههایی برای چند برابر کردن انتخاب ها۱- تداعی نا متعارف کلمه ها – تصویر – متن ها یا هر چیز تصادفی دیگر را به عنوان محرک ها بکار بردن و پیشروی را از آنجا سر شروع کردن.۲- برو تو دل جمع و از دور و برت پرس و جو کن فکر پراکنی کن.۳- مقابله و مقایسه کن. کشف کن با همان مسئله در جاهای دیگر و در وقت های دیگر چکار می کنند.۴- اغراق کن. از راه حل های «بی نقص» کوتاه استـفاده کن.۵- جفت و جور کن: ترکیب هـا و قیـاس هـای غیر منتظره را امتحـان کن. فصل چهارم: بنای پیروزی هایت را بگـذارراه های پیشـنهادی گسترش و عمیق کردن ایده ها۱- چـالش هـای عملی برای پیاده کردن ایـده ات را در نظر بگیر. برای بر طرف کردن مسائـل بایـد ایـده هـایت را گسترش بـدهی از خودت بپرس که مشـکلات و مخـالفت ها کجا ممکن است سر برآورند.۲- ایده ی اولیه را با مشخص تر کردن آن بهبود ببخش. اصطلاحات کلیدی را با شفافیت تمام توضیح بده و راه هایی پیدا کن که ایده ات را به موقع به اجرا بگذاری. بصورتی که خلاقانه آن را برای موقعیتی مشخص به کار ببر.۳- از خودت بپرس با ایده یا پیشـنهادت بعـد از این کار کجا می روی؟ برای مثال از ایده ی کاغذهای خوراکی شـروع کنیم؛ مزه ی آن ها چطور خواهد بود؟ ۴- به نخستین شـکاف خلاقـانه ات در مورد همـان مسـئله قناعت نکن و به آن اضافه کن.۵- به اولین شـکاف خلاقانه ات ایده های خلاقانه ی جدیدی در مورد یک مسئله متفاوت اضافه کن.۶- راه حل خلاقانه ات را به مسائل مشابه دیگر بسط بده. بری نیل باف و یـان ایرز به این می گوینـد «راه حـل هـایی در جست و جوی مسائل». فصل پنجم: شـکل دهی مجـدد به مسائلشـکل دهی مجـدد به مسائـل شامـل تفکر جانبی و امکان یابی – پیش گیری را امتحان کردنتفکر جانبی: تعبیر را در همه ی جوانب می تو.ان تصور کرد، همه چیز را می تـوان مـورد پرسـش قرار داد و گسـترده تر این چیزی است که دو بونو به آن می گویـد «تفکر جـانبی».پیشـگیری را امتحـان کن: همه متفق القولنـد که بهتر است سـالم باشـی تا اینکه منتظر بمانی مریض شوی و بعـد به اجبار سـعی کنی با بیماری ات کنـار بیـایی، مـا معمولاًـ بر اساس این اتفاق نظر عمل نمی کنیم اما آن را می دانیم.ضـرب المثل هایی که عامه ی مردم بازتاب پیـدا کرده است. «یه مثقال پیشـگیری می ارزه به یه من درمان» «علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد» در مورد پیشگیری می باشند.راه هایی برای چهارچوب بنـدی مجدد مسائلاین بخش با ارائه چند روش، از شـما می خواهد تا به خو.د مسائل نه آنطور که معمولا طرح می شوند، مجددا فکر کنیم. چطور می شود آن ها را مججدا تعریف کرد؟ علت آن ها کدامند؟ آیا اصـلا آن ها ضـرورتا مسئله اند؟۱- بصورت جـانبی فکر کن. تمام جنبه های دور از ذهن مسـئله را بخاطر بیاور. رویکردهای جایگزین را بررسـی کن.۲- موقعیت ها را در درون خود مسئله پیدا کن «لیمو از زندگی، لیموناد از تو!»۳- پیش گیری از وقوع مسـئله را امتحان کن، چطور می شود پیش از سر بر آوردن، ترتیب آن را داد؟فصـل شـشم: خلاـقیت تمـام وقتچنـد نکته:هیـچ اجباری وجود نـدارد دنیا در شـکل کنونی اش باقی بمانـد و به همه چیز می توان دوبـاره اندیشـید و تغییر داد و سـعی کن همه چیز را آن طور که ممنک است باشـد هم مجسم کنی نه فقط آن طور که هست.۲- تفکر خلاقانه واقعا همین سـلامتی است ، برای مغزت خوب است. نکته ی کلیدی این است – تقریبا همه آن ها (مقایسه سـنین جوانی و پیری) با تمرین ذهنی بیشتر کمتر کاهش پیدا می کند، گردش آن بهتر است، سلول های جدیدی سر بر می آورنـد. کافی نیست که فقط از نظر بـدنی فعال باشـیم. بایـد حسابی فکر را هم به کار بینداز.۳- خلاـقیت در عین حال یک خـدمت اجتمـاعی است.خلاـقیت اجتمـاعی: مقتضیـات همیشـگی خود را دارد. خلاقیت را تا می توانی به پرده پوشـی، آشکارتر، و وسوسه انگیز تر انجـام بـده . بـا مردم حرف بزن : خـانواده، دوسـتان، دانش پژوهـان یا معلم ها و ...خلاقیت برای دنیای بهترخلاقیت رادیکال امکان تغییر دادن دنیا را به ما نشان می دهـد. خلاقیت رادیکال را می توان مثل خلاقیت روز مره عملی کرد، اما فکر کردن در مقیـاس بسـیار وسیع تری را مهیـا می کنـد و از بی برنامه ترین و آرمان گرایانه ترین امیـدها پا پس نمی کشـد.خلاقیت روز مره خلاقیت کـار آمـدی مـدیریت فکر کتـابی از ادوارد دوبوئـوچنین تصـور می شود که خلاـقیت به دنیـای «هنر» تعلق دارد و اسـتعداد هنرمند را می طلبد، اما چنین دیدگاهی چنان کهنه و قدیمی است که گویی به قرون وسطا تعلق دارد. با این حال در همه ی زمینه ها

گروه رو به افزایش از افراد فکور وجود دارد که به این نتیجه رسیده اند که آینده نیازمند تفکر بهتر است و همین تفکر بهتر نیز به خلاقیت و نوآوری نیاز دارد.در برئو در نگارش خلاقیت کار آمد مدیریت فکر سه هدف را به دنبال می کند.۱- درک چیپس خلاقیت و منطق آن۲- به کارگیری خواست و اراده در انجام دادن امور و کارهای خلاق۳- بهت گیری از تکنیک های و روش های خاص تفکر خلاقدر واقع درون مایه ی کار دوبونو تفکر به عنوان یک مهارت و نیز ارائه تکنیک ها و روش هایی است که هم ساده و عملی اند و هم کار امد و توانبخش.آموزش محبت آمیز کودکان تتا بی از دکتر مارشال روزنبرگمن به آموزش هایی علاقه مندم که انگیزه آن ها احترام به زندگی وسیله به یادگیری مهارت ها باشد تا بر اساس این آموزش ها مطالب جدیدی بیاموزیم که ما را برای بیشتر سهیم شدن در سلامت زندگی خود و دیگران کمک کنند.با دیدن یادگیری هایی که از روی اجبار باشد، ناراحت می شوم چرا که اعتقاد دارم یادگیری بسیار ارزشمندتر از آن است که بوسیله یکی از روش های اجباری (ترس تنبیه یا بخاطر سیل به پاداش هایی در قالب نمره، یا برای فرار از احساس گناه یا شرمی با ضرورت، یادگیری بر انگیخته شود . مطالعه درباره ی مردمی که قادرند بر دیگران تاثیر بگذارند و آ« ها را تشویق به یادگیری کنند یکی از یافته های من در نتیجه ی مطالعه در چنین افرادی، این بود که آن ها با زبانی با مردم سخن می گویند که کمکشان می کند تا یادگیری شان نشأت گرفته از احترام به زندگی باشد. فهرست مطالب فصل اول : نوید خلاقیت فصل دوم : شروع کنیم فصل سوم : گزینه هایت را چند برابر کردن فصل چهارم : مبانی پیروزی هایت را بگذر فصل پنجم : شکل دهی به مسائل فصل ششم : خلاقیت تمام وقت

بیان اصول و آداب اخلاقی نقد علمی

احمدحسین شریفی

در دوران معاصر یکی از موضوعات و مسائلی که به شدت اهتمام اندیشمندان را در پی داشته، مباحثی است که تحت عنوان تفکر نقدی مطرح می‌شود. در برخی رشته‌های دانشگاهی نیز از جمله رشته فلسفه و رشته‌های وابسته آن طی سال‌های اخیر واحدهایی با این عنوان طراحی شده است. در این رشته که گاهی از آن به تفکر انتقادی یا منطق کاربردی نیز تعبیر می‌شود دانشجو با انواع زیادی از مغالطه‌ها که بعضاً تعداد آنها به بیش از یکصد مورد می‌رسد آشنا می‌شود. آشنایی کاربردی و دقیق با این مغالطات برای کسانی که می‌خواهند در مواجهه با اندیشه‌های گوناگون و همچنین در ابراز و اظهار یا دفاع از اندیشه خاصی به شیوه منطقی برخورد کنند ضروری است. طبیعی است که ارتکاب مغالطه در رد یا دفاع از یک اندیشه علمی غیراخلاقی است و مغالطه‌گر نه تنها دچار خطای منطقی و معرفتی است بلکه در صورتی که آن را از روی عمد و آگاهی انجام دهد از حیث اخلاقی نیز کاری ناپسند مرتکب شده است. با این همه آدمیان به طور طبیعی و به مقتضای ذات و سرشت انسانی خود همان گونه که حتی بی‌آگاهی دقیق از قواعد مدون منطق آنها را به صورت ناخودآگاه به کار می‌گیرند به صورت طبیعی و فطری نیز از ارتکاب مغالطات منطقی پرهیز می‌کنند. آنچه در این میان بسیار خطرناک است و بر جان فکر و اندیشه آدمی افتاده سرمایه حق‌طلبی، سعادت خواهی و حقیقت‌دوستی او را به یغما می‌برد و رشد علمی جامعه را متوقف بلکه معکوس می‌کند حجاب‌ها و لغزش‌های اخلاقی در ارائه افکار و اندیشه‌های خود یا دفاع از آنها و نیز خطاهای اخلاقی در مواجهه با اندیشه‌های دیگران است. به همین دلیل است که در کنار آشنایی با مغالطات منطقی آگاهی از آداب و اصول اخلاقیِ ناظر بر این عرصه نیز لازم است.یکی دیگر از اصول و پیشفرض‌های مهم نقد علمی آغاز کردن از خود است. قرآن کریم در این باره به مؤمنان توصیه می‌کند": يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِندَ اللَّهِ أَن تَقُولُواْ مَا لَا تَفْعَلُونَ. " پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز در این باره می‌فرماید": طوبی لمن شَغَلَه عیبُه عن عیوبِ غیره ؛ "خوشا به حال کسی که پرداختن به عیوب خود او را از پرداختن به عیوب دیگران باز دارد.امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید": اکبرُ العیبِ ان تعیبَ ما فیک مثلُه ؛ "بزرگ‌ترین عیب این است که چیزی را بر دیگران

عیب بـدانی که خود بـدان مبتلاـیی. بی‌تردیـد تـأثیر اخلاـقی گفتـار و توصـیه‌ای که خود فرد به آن عمل می‌کنـد به مراتب بیشتر از توصـیه‌هایی است که در کردار و رفتار فردتوصـیه کننده خلاف آنها مشاهده می‌شود. کسی که خود رطب می‌خورد اگر دیگران را نهی کنـد گفتار او تأثیر لازم را نخواهـد داشت.یکی دیگر از اصول اخلاقی تولیـد علم و جنبش نرم‌افزاری وجود نقـدهای عالمانه و متخصـصانه است توضیـح آنکه اگر در نقـد علمی، ناقـد در پی بیان درستی‌ها و نادرستی‌های یک اندیشه است، نخستین شـرط این است که آن سـخن را به درستی فهمیـده باشـد پس هیـچ‌کس اخلاقاً مجاز نیست پیش از فهم درست و دقیق یک مـدعا و به صـرف داشـتن یـک تصور مبهم و اجمـالی از آن دست به کار نقـد شود. البته بایـد توجه داشت کسـی که انـدیشه گفتار یا کردار او نقادی می‌شود نباید فوراً ناقد را به عدم فهم، عجله در نقد و امثال آن متهم کند. این آفت بزرگی است که متأسفانه در عرصه نقد و نقادی و منـاظرات علمی مکتوب جـامعه ما از هر دو سو به وفور مشاهـده می‌شود. در بسـیاری پاسـخ‌هایی که نویسـندگان و گوینـدگان به نقـدهای ناقـدان می‌دهنـد نخستین مسئله این است که" نکته‌هـا چون تیغ پولاد است تیز "و کسـی که سپر نـدارد و توانایی فهم این ظرایف و دقـایق را در خود نمی‌بینـد بهتر است یا پس کشـد و عِرض خود نبرد و نویسـنده و خواننـدگان را به زحمت نینـدازد!یکی دیگر از مهم‌ترین مسائلی که رعایت آن شـرط اصـلی فهم سـخن گوینده یا نویسـنده و نیز شـرط اصلی درک حقیقت یک گفتار یا رفتار است کنار نهادن حب و بغض‌هاست. تأثیر حب و بغض تا آنجاست که می‌توانـد هنر را عیب و عیب را هنر جلوه دهـد".هر چه به دل فرود افتـد در دیـده نکو نمایـد."کسـی که به قصـد مـچ‌گیری به نقد یک اندیشه یا رفتار می‌پردازد قطعاً از درک حقیقت آن عاجز خواهد بود ؛ نه تنها مشکل که محال است کسی بتواند با نگاه عاشقانه یا با دیده مغرضانه و مبغضانه همه ابعاد و جنبه‌های یک فکر یا رفتار را به درستی درک کنـد و بتوانـد سره و ناسره آن را تشـخیص دهد. اصولاً برای چنین کسـی درک مسئله موضوعیت نـدارد بلکه مسائـل دیگری در میـان است که او را به نقـد واداشـته است. البته باز هم بایـد توجه داشت که شـخص یا اشخاصـی که انـدیشه یا رفتار آنان نقـد شـده اخلاقاً مجاز نیسـتند که ناقـد را به سوء غرض و داشـتن حب و بغض نسـبت به خود متهم کنند. آنان موظفنـد به بررسـی ادله ناقـد بپردازنـد و درستی یا نادرستی آنها را بنمایاننـد.یکی دیگر از اصول اخلاقی لازم که مراعات آن نقش مهمی در تولیـد علم دارد پرداختن به انـدیشه‌هاست؛ نه اندیشـمندان. نقـد انگیخته‌هـاست؛ نه انگیزه‌هـا. نگریسـتن به گفته‌هاست؛ نه گوینـده‌ها و این اصلـی است که متأسـفانه در جـامعه مـا به نـدرت مراعـات می‌شود. کسـی که نقـد می‌شود به جـای آنکه به پاسـخ نقـدهای ناقد بپردازد به کالبد شـکافی نیت و انگیزه او مبادرت می‌ورزد تا جایی که هر گونه نقدی را به اندیشه‌های خود بخشـی از یک توطئه بزرگ علیه اندیشمندان و فرهیختگان جامعه می‌پندارد. در حالی که اگر ما واقعاً به دنبال حقیقتیم و دغدغه سعادت خود و دیگران را داریم نباید در این عرصه به انگیزه‌ها اهمیت دهیم.به هر حال هم شـخص ناقد و هم شخص یا اشخاص مورد انتقاد باید به این مهم توجه داشـته باشـند که نقـد را از ساحت نقد اندیشه و کردار به نقد صاحب اندیشه و کردار یا مقابله با ناقد نکشانند. نقد یـک سـخن یـا رفتار نشان دهنـده اهمیت آن انـدیشه یا رفتار برای ناقـد است. کسـی که به نقـد یک انـدیشه یا سـخن می‌پردازد در حقیقت در جهت اصـلاح و تکمیل آن گام برداشـته است. بنابراین هرگز نباید نقد او را به معنای درافتادن با شخص صاحب اندیشه یـا رفتـار تلقی کرد ؛ به تعبیر دیگر کسـی که یـک انـدیشه را نقـد می‌کنـد یـا ناراستی‌هـای یک رفتار را نشان می‌دهـد در پی اعلام بیزاری خـود از نـاراستی و نـادرستی اسـت ؛ نـه فردی کـه مرتکب آن اشـتباه شـده است بلکه همـان طور که پیش از این گفته شـد دلسوزی و احساس مسئولیت در برابر دیگران موجب می‌شود که ناراستی‌ها و نادرستی‌هایی را که در اندیشه یا کردار آنان مشاهده می‌کنیم به آنـان گوشـزد کنیم ؛ اما متأسـفانه" در فضای غیر اخلاقی نقـد یک انـدیشه مساوی است با در افتادن نه با یک فکر بلکه یک فرد و بل یک قوم."یکی دیگر از پیشـفرض‌های اخلاقی برای تحقق جنبش نرم‌افزاری پرهیز از برچسب زدن‌های غیر اخلاقی به اندیشه‌وران و ناقدان است؛ توضیـح آنکه یکی از شـیوه‌های نادرست و خلاف اخلاق در مسـئله نقد که متأسـفانه در جامعه ما بسیار رواج دارد برچسب و انـگ زدن به صاحبـان انـدیشه یـا به ناقـدان است. افراد به جـای نقـد انـدیشه‌ها و بیـان نقـاط ضـعف دلایـل و

مستندات یک فکر یا بیان ناراستی‌های یک عمل با انتساب‌های غالباً نادرستِ افکار و اندیشه‌ها به افراد و مکاتب منفور و مطرود جامعه به خیال خود آن فکر را ابطال و آن اندیشه را از میدان به در کرده‌اند؛ برچسب‌هایی از قبیل " ارتجاعی" "قشری" "غربی" "غرب‌زده" "علم‌زده" "عوام‌زده" "لیبرال" "فاشیست" "مستبد" "انحصارطلب" "ملی گرا" "کهنه گرا" "ارسطویی" "پوپری" "هایدگری" "قرون وسطایی "و... که اغلب به منظور تحقیر منتقد یا شخص و گروه مورد انتقاد صورت می گیرد کراراً از سوی افراد مختلف در نقد دیگران یا در پاسخ به نقدها به کار می‌رود؛ در حالی که اگر اندکی بیندیشیم خواهیم دید که این برچسب‌ها حتی اگر هم درست باشند هرگز خللی در بنیان‌های منطقی یک اندیشه ایجاد نمی کنند. قرون وسطایی بودن یک اندیشه هرگز مستلزم نادرستی یا درستی آن نیست ؛ چنان‌که نو بودن یک فکر مستلزم درستی یا نادرستی آن نیست. این عمل در حقیقت یکی از مغالطات منطقی است که معمولاًـ در کتاب‌های منطقی از آن به عنوان" مغالطه از طریق منشأ "یاد می‌شود و زمانی رخ می‌دهد که منتقد بخواهد یک اندیشه یا رفتار را با بیان منشأ آن و انتساب آن به شخصیت‌ها یا گروه‌های مذموم و نامطلوب نادرست معرفی کندیا شخص مورد انتقاد بخواهد نقدهایی را که به او شده است با بیان تأثیرپذیری منتقد از شخصیت‌ها یا گروه‌های منفور و مذموم پاسخ دهد رسالت

حیرت و پرسش، قلب تفکر انتقادی

حسن قاضی‌مرادی

انسان در جهان، رویاروی داده‌ها و اطلاعات قرار می گیرد. زیستن انسانی، از یک منظر، به معنای «پردازش» داده‌ها و اطلاعات است. امروزه به علت «انفجار بزرگ» داده‌ها و اطلاعات در فضای مجازی بی‌وقفه در حال گسترش، پردازش دقیق اینها هرچه دشوارتر و پیچیده‌تر می‌شود؛ داده‌ها و اطلاعاتی که اگر آگاهانه پردازش نشوند جز به اضطراب، سراسیمگی، ابهام، پریشان‌اندیشی، ندانم‌گرایی، بی‌عملی و... نمی‌انجامند. داده‌ها و اطلاعات پردازش‌نشده برهم انباشته می‌شوند. انباشتگی داده‌ها و اطلاعات، دانایی نیست. اولین گام رسیدن به دانایی پردازش منطقی داده‌ها و اطلاعات است. پرسشگری: قلب تفکر انتقادینخستین گام در جهت پردازش منطقی داده‌ها و اطلاعات، پرسشگری است؛ پرسش از دقت، اعتبار و قلمرو داده‌ها و اطلاعات. حجم وسیعی از داده‌ها و اطلاعاتی که حتی به صورت تصویر، امروزه پخش می‌شوند نادقیق نامعتبر و در بسیاری مواقع دروغ هستند. پس اندیشیدن به معنای تفکر پردازش‌کننده با پرسیدن آغاز می‌شود؛ این سنگ‌بنای تفکر انتقادی است. به روند تفکر انتقادی می گراییم وقتی شروع می‌کنیم درباره داده‌ها و اطلاعات بپرسیم: - آیا داده‌ها و اطلاعات دریافتی درباره موضوع مورد بررسی‌ام واقعا برای سنجش این موضوع ضروری است؟ اگر هست، چرا؟ اگر نیست، چرا؟ - آیا ماخذ و مرجع این داده‌ها و اطلاعات مستند و معتبر است و برای ارایه آنها صلاحیت دارد؟ - آیا داده‌ها و اطلاعات درباره موضوع، جدید است؟ اگر نه، چگونه می‌توان داده‌ها و اطلاعات جدید را یافت؟ - آیا دلخواست‌ها، اغراض، ناصداقتی، منافع یا موقعیت ذهنی ارایه‌دهندگان داده‌ها و اطلاعات جایگزین واقعیت نشده است؟ -آیا این داده‌ها و اطلاعات برای تبلیغ و اغواگری در جهت اهداف خاصی تنظیم شده‌اند؟ - آیا اینها از ماخذ و مرجع‌های گوناگونند یا فقط از یک ماخذ و مرجع سرچشمه گرفته‌اند؟ و... وقتی واقعیت در ارتباط با ذهن انسان قرار بگیرد به داده و اطلاعات تبدیل می‌شود. واقعیت نو، یعنی داده‌ها و اطلاعات نو به حیرت می‌انجامد. غلبه بر اسارت حیرت فقط با به پرسش گرفتن آن، یعنی به پرسش گرفتن داده‌ها و اطلاعات حیرت‌انگیز ممکن می‌شود. شگفتی و حیرت که به پرسش تبدیل شود روند تفکر انتقادی شروع می‌شود. عرصه واقعیتی که ما را به حیرت و پرسش می کشاند از ابتدایی‌ترین مسایل زندگی روزمره، کار، ارتباط با همسر و فرزندان تا گسترده‌ترین تحقیقات علمی و فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را دربرمی گیرد. در چنین عرصه گسترده‌ای اما پرسشگری فقط به داده‌ها و اطلاعات محدود نمی‌ماند. پرسش می گسترد و عمق می‌یابد، به پرسش از پاسخ‌ها، یعنی

پرسش از باورها، ایده‌ها و داوری‌های ما نیز می‌رسد.از پرسیدن اینکه این چیز چرا چنین چیزی است، می‌رسد به اینکه چطور و چگونه است که این چیز را می‌شناسم؟ چرا به واسطه این چیزی که می‌شناسم چنین تصمیمی گرفته‌ام؟ آیا با این شناسایی و تصمیم‌گیری به نتیجه‌ای که می‌خواهم می‌رسم؟ اگر به نتیجه موردنظرم نرسم چه پیش می‌آید؟ آیا می‌توانم با یک شناسایی، یعنی داوری دیگر، تصمیم دیگری بگیرم که فکر کنم این هم به نتیجه موردنظرم می‌رسد؟ چه موقعیت‌هایی را می‌توانم به تصورم آورم که شناخت و داوری موجود من، غلط و تصمیمم اشتباه باشد؟ آیا به داده‌ها و اطلاعات دیگری نیاز دارم تا بتوانم به داوری و تصمیم صحیح‌تری برسم؟ آیا در موقعیتی قرار دارم که تشخیص دهم داوری‌ام نسبت به موضوع مورد بررسی‌ام درست است؟ آیا موضوع یا دغدغه‌ای که با آن درگیرم واقعا موضوع و دغدغه من است یا من با انتخاب آنها نشان می‌دهم درک نادرستی از جایگاه خود دارم و از دیگران دنباله‌روی می‌کنم؟ آنچه با آن درگیر شده‌ام تا چه حد برایم اهمیت دارد؟ آیا حاضرم پیش از تصمیم‌گیری نظر انتقادی دیگران را در مورد داوری‌ام بپرسم؟ آیا به این فکر می‌کنم که نتیجه تصمیمم بر دیگران چیست؟ به پشتوانه چه باورها و معتقداتی به این یا آن داوری در مورد مشکل خود رسیده‌ام؟ چه استدلال‌هایی برای درستی داوری خود دارم؟ چه استدلال‌هایی وجود دارند که داوری و تصمیمم را رد می‌کنند؟ آیا داده‌ها و اطلاعات را آن‌گونه که دلخواهم است تعبیر و تفسیر نمی‌کنم؟ استنتاج‌هایم تا چه حد بر خود واقعیت داده‌ها و اطلاعات متکی است؟ آیا استنتاج‌های من متاثر از جانبداری، غرض‌ورزی، منفعت‌طلبی یا اصلا خودفریبی نیستند؟ اصلا آیا این درست‌ترین پرسشی است که می‌توانم درباره دغدغه و مشکل خود بپرسم؟ آیا پرسش‌های مهم‌تری وجود دارند؟ و... پس پرسیدن فقط به پرسش از چیزهای موردنظر محدود نمی‌شود بلکه پرسش از چگونه اندیشیدن را نیز دربرمی‌گیرد. پرسشی که نشانه پردازش داده‌ها و اطلاعات است به پرسشی می‌رسد نسبت به چگونگی اندیشیدن ما، نسبت به پاسخ‌های پیشین ما، نسبت به دلخواست‌ها، اهداف و آرمان‌های ما. پاسخ به مجموعه چنین پرسش‌هایی است که تفکر انتقادی را شکل می‌دهد. چنین که باشد می‌توان تاکید کرد «پرسشگری» قلب تفکر انتقادی است. تفکر با پرسش برانگیخته می‌شود و نه با پاسخ. پاسخی نیز که زمینه‌ساز پرسش بعدی نباشد نقطه پایانی است بر تفکر. می‌توان پرسید فردی که در حوزه‌ای، مثلا فیزیک یا جامعه‌شناسی یا هنر، آموخته‌ای ندارد چگونه ممکن است شناخت از این حوزه را با پرسش آغاز کند؟ او حیرت و نادانی‌اش را به پرسش تبدیل می‌کند. سپس به جست‌وجوی کسب داده‌ها و اطلاعات و نیز آموزش می‌رود. این جست‌وجویی است که در همراهی با دیگران، به طور مستقیم یا به طور غیرمستقیم (مثلا از راه مطالعه) انجام می‌شود. در صحبت با دیگران – مستقیم یا غیرمستقیم- فرد حجمی از داده‌ها و اطلاعات کسب می‌کند. این حجم داده‌ها و اطلاعات به او آگاهی‌ای – و نه شناختی- می‌دهد که به اتکای آن می‌تواند بپرسد. واکنش به نخستین پرسش، شروع روند کسب شناخت است؛ شناختی که در «داوری» بازنمایی می‌شود. این داوری فرد را در آستانه «تصمیم‌گیری» و «عمل» قرار می‌دهد. آنچه ما را به داوری و عمل رهایی‌بخش می‌رساند از پرسیدن پرسش‌های صحیح و جست‌وجوی پاسخ‌های منطقی شروع می‌شود. اغلب ما در پرسشگری مهارتی نیافته‌ایم. ما جهان را آن‌گونه که به ما معرفی می‌شود، می‌پذیریم. وقتی هم که بپرسیم، پرسش‌مان مبهم، سطحی و چندپهلو است. پرسش‌های ما اغلب پرسش‌هایی نیستند که جست‌وجوی گسترده و پردوام پاسخ را در مابرانگیزند، اما تا در پرسیدن و تداوم آن توانمند نشویم حتی اگر اطلاعاتی در زمینه‌ای داشته باشیم فقط آگاهی‌ای داریم که در ذهن‌مان به «خاطره» تبدیل می‌شود. ذهن ما صندوقچه اطلاعات و آگاهی‌هایی است که «مالک» آنها هستیم. اما نمی‌دانیم با آنها چه می‌توانیم بکنیم. آگاهی وقتی از تبدیل شدن به خاطره در امان می‌ماند که پیوسته پرسش برانگیزد و خودش نیز به پرسش گرفته شود. سترونی ما، در درجه نخست، ناشی از ناپرسشگری ماست: «خیلی کم‌اند انسان‌هایی که حقیقتا در جست‌وجوی شناختند. فانی یا غیرفانی، به واقع، فقط تعداد کمی می‌پرسند. برعکس، بیشتر می‌کوشند تا (نظرشان درباره) ناشناخته‌ها را از آن پاسخ‌هایی بیرون کشند که از قبل به صورت توجیه، توضیح یا اشکال تسلی در ذهن خود انباشته یا شکل داده‌اند. بدون اینکه بدانند با این پاسخ‌ها چه پیشرفتی می‌یابند. به طور حقیقی پرسیدن به معنای باز کردن

در به سوی تندباد است. ممکن است پاسخ، پرسش و پرسشگر، هردو، را نابود کند.» از منظری خاص می‌توان گفت انسان، «حیوان پرسنده» است. آنچه به پرسش درمی‌آید به قلمرو زندگی انسانی وارد می‌شود. اگر نپرسم نه انسانم بنابراین نه می‌توانم جهان را انسانی کنم. پرسشی که در پاسخ حذف می‌شود در پرسش دیگری سر برمی‌کشد. پرسنده‌ای که در پاسخگویی‌اش حذف (نابود) می‌شود در جایگاه متعالی‌تری به پرسیدن ادامه می‌دهد. تعریف تفکر انتقادیهریک از ما در زندگی واقعی و بدون درک عمیقی از تفکر انتقادی برای قضاوت درباره دغدغه‌هایمان، آگاهانه یا ناآگاهانه، پرسش‌هایی طرح می‌کنیم. با پاسخگویی به آنها نیز آنها را می‌شناسیم و درباره‌شان تصمیم می‌گیریم. پس می‌توان گفت هریک از ما بدون دانستن تعریف دقیقی از تفکر انتقادی ادراکی شهودی نسبت به آن داریم. به واسطه همین ادراک شهودی وقتی با این پرسش مواجه می‌شویم که «تفکر انتقادی، چیست؟» می‌توانیم بگوییم اندیشیدن مستدل و عقلانی و منطقی است؛ یا تفکری که با آن می‌توان دریافتی عینی از واقعیت کسب کرد و... اینها پاسخ‌های اولیه – و البته صحیح- به چیستی تفکر انتقادی‌اند.اما نظریه‌پردازان تفکر انتقادی از آغاز کوشیده‌اند تعریفی جامع و دقیق از آن ارایه دهند. این کوشش همچنان ادامه دارد بدون اینکه توافقی عمومی نسبت به تعریفی از تفکر انتقادی ایجاد شده باشد. علت اصلی این است که تفکر انتقادی شیوه تفکر در همه عرصه‌ها از علوم دقیقه و تجربی تا علوم انسانی و فلسفه و هنر است.اما آیا تفکر انتقادی در هریک از این زمینه‌ها یکسان است! پاسخ منفی است. برای نمونه، کاربرد تفکر انتقادی در ریاضیات (مثلا جبر) و آن هم در حد آموزش دانشگاهی «مساله‌گشایی» (حل مساله) است. اما کاربرد این تفکر در عرصه هنر (مثلا نقاشی) صرفا رسیدن به نوعی تحلیل و داوری است. مراحل و مولفه‌های تفکر انتقادی در ریاضیات و هنر برای رسیدن به «نتیجه» نیز متفاوت‌اند. مثلاـ در مساله‌گشایی ریاضیات عواطف و احساسات ما دخالتی ندارند. اما عواطف و احساسات بنیان وجهی از داوری هنری‌اند. به علاوه، مساله جبر یک پاسخ دارد که از طریق به کار بستن دستورالعمل‌های معینی این پاسخ مشخص می‌شود. اما ارزشیابی انتقادی تابلوی نقاشی همواره به تحلیل‌ها و داوری‌های گوناگون و گاه متباینی، می‌انجامد. این به معنای ناممکن شدن شناخت سرشت و ابعاد تفکر انتقادی نیست. بلکه چندوجهی یا بسیارگونه بودن این سرشت و ابعاد را می‌نماید. نظریه‌پردازان تفکر انتقادی تعاریفی گاه مشابه و گاه متفاوت از آن ارایه کرده‌اند. نخستین تعریف عمومی از رابرت انیس است. «تفکر انتقادی تفکر عقلانی و بازتابی است که بر تصمیم‌گیری نسبت به آنچه معتقد می‌شویم یا عمل می‌کنیم متمرکز می‌شود.» در این تعریف بر عنصر تصمیم‌گیری در تفکر انتقادی تاکید می‌شود. همین نکته نشانه رویکرد عمل‌گرایانه (یا پراگماتیستی) این تعریف است. این جنبه در تاکید انیس بر تصمیم‌گیری درباره عملی که می‌خواهیم انجام دهیم نیز پررنگ‌تر می‌شود اما در این تعریف کلی ابهام‌هایی وجود دارد: آیا هر تصمیم‌گیری در مورد پذیرش هر عقیده یا انجام هر عملی در قلمرو تفکر انتقادی قرار می‌گیرد؟ آیا عواطف و احساسات انسان در پیشبرد روند این تفکر نقش ندارند یا تاثیر منفی دارند که در این تعریف فقط بر عقلانی (و بازتابی) بودن آن تاکید شده است؟ اصلا هنجارهای عینی برای عقلانی و بازتابی بودن چیستند؟ ریچارد پاول تعاریف متعددی از تفکر انتقادی ارایه می‌دهد که هریک بر جنبه‌هایی از آن تاکید دارند. تعاریف او دو جنبه عمومی دارد: اول، بر بازتابی بودن این شیوه تفکر متمرکزند. دوم، بر مهارت‌ها و ویژگی‌هایی تاکید دارند که اندیشمند انتقادی را به داوری درباره موضوع بررسی‌اش می‌رسانند. در مورد نخست، مثلا می‌نویسد: «تفکر انتقادی هنر تفکر است درباره تفکر به شیوه‌ای که از نظر فکری (منطقی) انتظام یافته و منضبط باشد. اندیشمندان انتقادی آشکارا در سه برهه مرتبط با هم بر (روند) تفکر متمرکز می‌شوند: آنان تفکر را تحلیل می‌کنند. تفکر را ارزشیابی می‌کنند و تفکر را اعتلا می‌دهند... . این سه برهه برای این است که اندیشمند انتقادی مسوولیت تفکرش را برعهده گیرد.» بازتابی بودن تفکر انتقادی، آن‌چنان که در تعریف پاول آمده به این معناست که این تفکر، تفکری است درباره خود روند تفکر. در مورد دوم، مثلاـ می‌نویسد: تفکر انتقادی «روند از نظر فکری انتظام‌یافته مفهوم‌سازی، کاربرد، تحلیل، ترکیب و /یا ارزشیابی ماهرانه و فعالانه اطلاعات فراهم آمده یا پدید آمده از مشاهده، تجربه، بازنمایی، استدلال یا مکالمه با دیگران است که همچون

راهنمایی برای (کسب) عقیده و (انتخاب) عمل به کار گرفته می‌شوند.» در این تعریف، او تفکر انتقادی را از منظر ارتباط با موضوع مورد بررسی می‌سنجد. ریچارد پاول و همکارانش (به‌ویژه لیندا الدر) تاثیر مهمی بر نظریه‌پردازی تفکر انتقادی و اشاعه آن شخصا در حوزه‌های آموزشی داشته‌اند. با این حال انجمن فلسفه آمریکا متفکرانی را سازمان داد تا با استفاده از تحقیق و آزمایش‌های گسترده در حوزه‌های گوناگون علوم تجربی، علوم‌انسانی، فلسفه و... دریافت جامع‌تری از تفکر انتقادی، معیارها و مهارت‌های آن و نیز ویژگی‌های لازم برای اندیشمند انتقادی تدوین کنند. این گروه متفکران به ریاست پیتر فسیونه در پی دو سال تحقیق، گزارشی از نتیجه کار خود را تحت عنوان «گزارش دلفی» منتشر کردند. در این گزارش دریافت دقیق‌تر، منسجم‌تر و همه‌جانبه‌تری از تفکر انتقادی در قالب نظریه‌های هنجاری ارایه شده است. در آن، تعریف موجزی از تفکر انتقادی به دست داده می‌شود: تفکر انتقادی «روند (رسیدن به) داوری هدفمند خودتنظیم‌گر است. این روند بررسی مستدلی را نسبت به شواهد و مدارک، زمینه، مفهوم‌پردازی‌ها، روش‌ها و معیارها فراهم می‌آورد.» او در جای دیگری در توضیح این تعریف می‌نویسد: «تفکر انتقادی روند داوری است. هدفش عبارت است از تصمیم گیری در مورد آنچه باید عقیده داشت یا آنچه باید در زمینه‌ای مفروض و در ارتباط با شواهد و مدارک قابل‌دسترس از طریق به کار بردن مفهوم‌پردازی‌ها و روش‌های مناسب و مبتنی بر معیارهای مناسب ارزشیابی کرد.» فسیونه تفکر انتقادی را با روند کسب داوری‌ای تعریف می‌کند که دو ویژگی هدفمندی و خودتنظیم‌گری دارد. سه نکته مهم در این تعریف است: ۱- تفکر انتقادی یک روند است؛ روندی که در زمان حال متحقق می‌شود. وقتی به تفکر انتقادی همچون روند بنگریم آنگاه صرفا به اتکای محفوظات ذهنی‌مان- آنچه از محیط اطراف‌مان، پیشینه فرهنگی‌مان یا مطالعه کتاب و—... آموخته‌ایم نمی‌توانیم مدعی شویم که اندیشمند انتقادی هستیم.۲- برای هدفمندی داوری می‌توان دو وجه در نظر گرفت: یکی هدفمندی خود روند تفکر انتقادی است که از تعبیر و تفسیر داده‌ها و اطلاعات شروع می‌شود و در داوری پایان می‌یابد. دیگری هدفمندی خود داوری در این است که سمت تصمیم و عمل درباره موضوع مورد بررسی را مشخص می‌کند.۳- خودتنظیم‌گری داوری یا خودتصحیح‌گری و خودسنجش‌گری آن مربوط می‌شود به ویژگی بازتابی تفکر انتقادی. این تفکر با برخورداری از ویژگی خودتنظیم‌گری خود روند تفکر را به نقد می‌گیرد، آن را می‌سنجد، تصحیح می‌کند و اعتلا می‌بخشد. با این جنبه تفکر انتقادی فرد می‌تواند مسوولیت داوری خویش را بر عهده گیرد. با پذیرش چنین مسوولیتی فرد گرایش می‌یابد تا مسوولیت زندگی خویش و نظارت بر آن را بر عهده گیرد. با توضیح فسیونه در مورد «هدفمندی» و «خودتنظیم‌گری» داوری در تفکر انتقادی، به نظرم می‌توان به همین تعریف موجز از تفکر انتقادی که روند کسب داوری هدفمند و خودتنظیم‌گر است، بسنده کنیم. هدف تفکر انتقادی: با این تعریف مشخص می‌شود که هدف تفکر انتقادی دستیابی به همین نوع داوری است. اما این پرسش می‌تواند مطرح باشد که اصلا «داوری هدفمند و بازتابی» در مورد موضوعات، دغدغه‌ها، وضعیت‌ها، مشکلات، رویدادها و... برای چه انجام می‌شود. پاسخ جز این نیست که این نوع داوری ما را در ارتباط با اینها در آستانه تصمیم‌گیری و عمل قرار می‌دهد؛ تصمیم و عملی که تغییردهنده است؛ عملی که متناسب با موضوع آن می‌تواند باز و بی‌پایان باشد. این داوری به‌عنوان هدف تفکر انتقادی ما را به دانایی می‌رساند. می‌توان گفت شکل بروز دانایی، داوری هدفمند و بازتابی است. این دانایی ما را در آستانه تصمیم‌گیری و عمل قرار می‌دهد. اما خودتصمیمی گیری و عمل جزو تفکر انتقادی نیست. داوری هدفمند و بازتابی، برخوردار از دو مولفه فردی و اجتماعی است. هم در هدفمندی داوری و هم در بازتابی بودن آن حضور دیگران تاثیر تعیین کننده‌ای دارد. حضور مشارکت‌آمیز دیگران این نقش اساسی را دارد که آنان می‌توانند شناخت انتقادی متفاوت و متمایزی از موضوع، مشکل، وضعیت و... داشته باشند. شناخت‌های انتقادی بدیل به ما کمک می‌کنند تا در آیینه‌شان نگرش انتقادی هرچه آگاهانه‌تری نسبت به دانایی (شناخت) خود کسب کنیم. از این طریق می‌توانیم دانایی خود را تصحیح کنیم و اعتلاـ دهیم. به علاوه، دیگران با پرسش‌های خود درباره روند تفکر ما- مثلا چگونگی تعبیر و تفسیر ما از داده‌ها و اطلاعات، شیوه حرکت ما در رسیدن از داده‌ها و اطلاعات تا استدلال و

استنتاج و... - می‌توانند به ما کمک کنند به روند تفکر خود، یعنی چگونگی اندیشیدن‌مان، هرچه آگاه‌تر شویم. این رویکرد انتقادی دیگران نیز به ما کمک می‌کند تا وجه بازتابی داوری‌های خود را تقویت کنیم. مهارت تفکر انتقادیتفکر طریقی برای معنادار کردن رابطه های میان رخدادها، مفاهیم، اصول و اشیاء است و تفکر انتقادی هم اندیشیدن درباره شیوه ی تفکر خود است، به تعبیری، مهارت تحلیل عینی اطلاعات و تجارب را تفکر انتقادی معرفی کرده اند. در تفکر انتقادی عوامل موثر بر رفتارها و نگرش ها ابتدا مشخص شده و مورد ارزشیابی قرار می گیرد و سعی می شود از مهارت های تفکر، بالاترین استفاده مفید صورت گیرد. در مجموع این نوع تفکر، بهره گیری از راهبردها و مهارت های شناختی به منظور بالا ـ بردن بازده مطلوب رفتارها است. واجدین این نوع تفکر دارای شفافیت مواضع، تصحیح نگرش ها و کاهش فشار ناشی از تعارضات و باورهای تحمیلی هستند. به قول معروف افراد دارای تفکر انتقادی حتی فضای لابلای کلمات را می فهمند و فضای خالی بین خطوط نیز برای آن ها تعریف و مفهوم خاصی دارد. تفکر انتقادی را می توان مهارت تحلیل عینی اطلاعات و تجارب دانست. ارتباط تفکر انتقادی و بهداشت روان در آن است که تشخیص و ارزشیابی عوامل موثر بر رفتار و نگرش ها با این ویژگی ذهنی تسهیل می شود. فردی که دارای مهارت تفکر انتقادی است، می تواند آنچه را به او ارائه یا تحمیل می شود، بدون بررسی دقیق، نپذیرد. برای مثال، ارزش ها، تعاملات اجتماعی و رسانه ها، بخشی از واقعیت های زندگی فرد است.تحلیل این عوامل به شفافیت مواضع و تصحیح نگرش های وی کمک خواهد کرد. در نتیجه، فشار ناشی از تعارضات و باورهای خام و تحمیلی کاهش می یابد و بهداشت روانی شخص کمتر در معرض آسیب های جدی قرار می گیرد. آنچه غالبا مانع تفکر انتقادی می شود، نوعی بی مهارتی در تصور مسئله در «بیرون از خویش» است. مفهومی که به آن «مسئله مداری» در مقابل «خودمداری» می گویند. خودمداری، همواره در حکم یک مانع بزرگ ذهنی، انسان را از حل مشکلات خود به طریق عینی باز داشته است. در مقابل، مسئله مداری، موجب خارج شدن از خود و توجه به «خود مشکل»می شود. انسانی که دارای تفکر انتقادی است، راه حل ها را یکی پس از دیگری می آزماید. در این حالت، پاسخ های او القایی، ذهنی، عاطفی و بی اساس نیست و از متن واقعیت بر می خیزد. آمیختن خصلت ها، امیال و احساسات با مسئله، به اتخاذ مواضع یک سونگر و پش داوری های کم و بیش ناقص و نارسا می انجامد. مطالعات دقیق ژان پیاژه (۱)، روان شناس سوئیسی، نشان می دهد که مشکل عمده ی کودکان در مورد واقعیت، همین خودمحوری(۲) است. به باور او، در یک روند بهنجار تحولی، انتظار می رود که فرد، از خودمحوری خارج گردد(۳) و به مسئله مداری برسد. اما متأسفانه، موانع این تحول، فراوان است و نقایص تربیتی، آموزشی و ... موجب می شود که او نتواند یک مسئله یا مشکل را خارج از خود و «فی نفسه» مورد بررسی و ارزشیابی قرار دهد. روشن است که نظام تربیتی مطلوب، همواره تفکر انتقادی را ارج می نهد و با تقدیر و تقویت آن، ظهور و مداومت این نوع تفکر را تضمین می کند.منبع: کتاب مهارتهای زندگی* فرارو

بررسی نقش تفکر انتقادی در زندگی اجتماعی

محمدرضا نیستانی ـ داوود امام وردی

شاخصترین پایهٔ شخصیت فرد, میل به اندیشیدن و توانایی فکر به صورت انتقادی است. تفکر انتقادی به افراد در حل مسائل, تصمیم گیری در موقعیتهای زندگی و شکل گیری هویت و عادتی با ثبات در شخص کمک میکند. جامعه هر چقدر پویاتر باشد, نیاز به اندیشمندان انتقادی بیشتر احساس میشود. جامعه همواره نیازمند متفکرانی است که از قضاوت خوب درباره مسائل جامعه خویش برخوردارند و میدانند که چه زمانی و چگونه مهارتهای تفکر را در جامعه خویش بکار گیرند, برخورداری از تفکر انتقادی در جامعه سیاسی به افراد یاری میرساند تا شهروندانی آگاه و مطلع باشند و آزادی حقیقی را تجربه کنند.بنابراین, تفکر انتقادی بعنوان مهارتهای فرد در تعبیر و تفسیر, تجزیه و تحلیل, ارزیابی و نیز شناسایی پدیده های اجتماعی, منبعی نیرومند در زندگی مدنی

و سیاسی محسوب میشود. با توجه به نقش اساسی تفکر انتقادی در زندگی, هدف اصلی آموزش و پرورش میبایست فراتر از کسب آسان دانش, تربیت متفکران انتقادی باشد.معنا و مفهوم تفکر انتقادی:پیدا کردن تعریفی مشترک, جامع و علمی از تفکر انتقادی برای سالها یکی از بزرگترین حوزه‌های مشاجره و مناقشه بوده است. همین نبود درک و فهم جامع از تفکر انتقادی باعث گیج شدن بسیاری از مربیان در تعریف تفکر انتقادی و غافل شدن آنها از اهمیت رشد تواناییهای تفکر شده است.دلیل نخست, برای نبود اجماع در معنا و مفهوم تفکر انتقادی به وجود مبانی و سنتهای مختلف دربارهٔ این مفهوم برمیگردد که هر کدام از آنها از چشم اندازهای مختلف به آن مینگرند. دیدگاههای مختلف از تفکر انتقادی از نظریه‌های رشد شناختی, تعلیم و تربیت, روان‌شناسی و فلسفه سرچشمه میگیرند. در دیدگاه فلسفی بر مهارتهای استدلال, تجزیه و تحلیل و نظامهای منطق صوری تأکید میشود. (مک پک ۱۹۸۱).بررسی تاریخ تأملات فلسفی بخوبی نشان میدهد که مفهوم تفکر انتقادی, بهیچ وجه مفهوم نوبنیادی نیست و تمامی تعاریف نوظهور در این زمینه, ریشه در اندیشه‌های فلسفی از سقراط تا جان دیوئی دارد.دلیل دوم در گستردگی تفکر انتقادی, به حوزه نامحدود کاربرد تفکر انتقادی باز میگردد. امروزه مفهوم تفکر انتقادی در جامعه‌شناسی, روان شناسی, مدیریت, صنعت و آموزش کاربرد فراوانی پیدا کرده است.دلیل سوم در پراکندگی معنا و مفهوم تفکر انتقادی اینست که برخی مدعی هستند که هر فعالیت ذهنی, متضمن تفکر انتقادی است.دلیل چهارم نبود تعریف جامع از تفکر انتقادی به مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده این مفهوم برمی‌گردد. برخی تفکر انتقادی را تنها در حوزه شناخت میدانند, در حالیکه تفکر انتقادی در برگیرنده دو حوزه شناختی و تمایلات است.دلیل پنجم برای نبود اجماع در تعریف تفکر انتقادی, آن است که این مفهوم با مفاهیم مرتبط دیگر به صورت مترادف به کار میرود. در واقع, تفکر انتقادی اغلب با سایر مفاهیم, نظیر تفکر سطح بالا, حل مسئله, تفکر منطقی, استدلال و تفکر سازنده, فراشناخت و تفکر خلّاق یکسان گرفته میشود.تعاریف دیوئی (۱۹۰۹) و گلاسر (۱۹۴۱) هر دو حاوی عناصری هستند که بوسیله پژوهشگران امروزی تفکر انتقادی مطرح می‌شود. هر دو تأیید میکنند که تفکر انتقادی از یکسو روشهای خاصی از مهارت است و از سوی دیگر کاربرد سازگارانه این مهارتها.گلاسر, فهرستی از تواناییها و مهارتها را بعنوان عناصر اصلی تفکر انتقادی مطرح میکند:۱ـ بازشناسی مشکل۲ـ یافتن ابزارها و وسایل عملی برای برخورد با این مشکلات۳ـ جمع آوری و مرتب کردن اطلاعات مرتبط و مناسب۴ـ شناسایی فرضیه‌ها و ارزشهای اظهار نشده۵ـ فهم و کاربرد صحیح, شفاف و مشخص زبان۶ـ تفسیر اطلاعات۷ـ تخمین شواهد و ارزیابی اظهارات۸ـ بازشناسی وجود روابط منطقی بین قضایا۹ـ ارائه تعمیمها و نتایج تأیید شده۱۰ـ اجرای آزمون, تعمیمها و نتایج۱۱ـ احیای الگوی باورهای شخصی بر مبنای تجربه و کارآزمودگی۱۲ـ ارائه قضاوتهای صحیح درباره کیفیتها و پدیده‌های خاص در زندگی روزانه.لیپمن (۱۹۸۸) نیز به مانند گلاسر بطور صریح و روشن تفکر انتقادی را بعنوان یک فرایند در نظر میگیرد. وی اظهار میکند که تفکر انتقادی, تفکر مسئولانه و ماهرانه‌یی است که قضاوت خوب را تسهیل میکند, زیرا متکی بر ملاکهاست.فلسفه تفکر انتقادیزندگی بر پایه تفکر انتقادیزندگی در جامعه پیچیده امروزی نیازمند افرادی است که قادر هستند با تکیه بر تفکر و اندیشه خود بر مسائل پیرامون خویش فائق آیند و در چارچوب و چشم انداز روشنی, اطلاعات لازم را در مورد زندگی خویش جمع‌آوری و ترکیب کنند و با یک داوری خوب, آنها را ارزیابی نمایند و از کارهای نامکن بپرهیزند. در حقیقت, افراد برای مواجهه با مسائل زندگی و اتخاذ تصمیمهای اساسی نیازمند مهارتها و صلاحیتهای تفکر انتقادی هستند.برای اینکه فرد بتواند تصمیم مهمی در زندگی بگیرد, میبایست قدرت تجزیه و تحلیل, ارزیابی و قضاوت نسبت به شرایط زندگی خود را داشته باشد. داشتن توانایی و مهارت تفکر انتقادی به اشخاص اجازه میدهد تا بتوانند در زندگی, اطلاعات پیرامون خود را پردازش نمایند, بطور عینی به استدلال و استخراج نتایج از انواع متنوع اطلاعات پرداخته و بطور مؤثر, عینی و ملموس به ارزیابی مشکلات بپردازند و با وجود اطلاعات ناقص, تصمیم گیری معقول و مستدلی اتخاذ نمایند. در واقع, خردمند هر کاری را به فرمان خرد و اندیشه می کند.بنابراین تفکر انتقادی, تفکر جوابگو (مسئول) و ماهرانه است که به قضاوت خوب افراد نسبت به خود, دیگران و

جامعه در زمان حال منجر میشود.تفکر انتقادی, تفکر اصلاح گراست, بطوریکه بر کشف نقاط ضعف و اصلاح کاستیهای افراد تأثیر میگذارد. بنابرین تفکر انتقادی را بایستی بعنوان یک فرایند درونی دانست که به موجب آن, وضعیت مشکل زای زندگی بطور نقادانه مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرد و راههای برون رفت از مشکل, بطور خردمندانه تشخیص داده میشود.تفکر انتقادی برای خلق یک جامعه دموکراتیکاز دیدگاه جامعه شناسان سیاسی یکی از آفتهای اجتماعی که به تداوم سلطه کمک میکند, حضور انسانهای فاقد اندیشه انتقادی در جوامع مختلف است. تجربه تاریخی در نقاط مختلف جهان نشان داده است که توده مردم همواره با حضور غیر نقادانه اش د ر حوزه عمومی و گزینشهای سیاسی, کفه اردوگاه خودکامه گان را سنگینتر میکند. تفکر انتقادی کمک میکند تا افراد جامعه, فریب نیرنگها و عوام فریبی سیاست مداران را نخورند و به تقلید نا اندیشیده از دیگران, دست نیازند.در یک حکومت مردم سالار, صرف خوب بودن برای شهروندان کافی نیست, بلکه جامعه نیازمند افرادی است که از بینش و بصیرتی برخوردار باشند که بتوانند در جامعه, راهبر خویشتن باشند, شهروند خوب به قول ادوارد گلاسر ـ میبایست درک درستی از مسائل اقتصادی, سیاسی و اجتماعی داشته باشد و از توانایی تفکر انتقادی درباره موضوعهای مشاجره آمیز برخوردار باشند (گلاسر, ۱۹۴۱: ۵)زندگی در اجتماع نیازمند داشتن آگاهی و قوه تحلیل انتقادی نسبت به هنجارها, فرهنگ و ساختار حکومتی و قوانین و مقررات اجتماعی است.در نظامهای سوسیالیسم, تعلیم و تربیت مبتنی بر ارزشها, هنجارها, باورها و عقاید کمونیستی است. در نظامهای توتالیتاریسم و دیکتاتوری, آموزش و پرورش, در خدمت تربیت انسانهایی است فاقد قوه نقد و اندیشه, انسانهایی که تنها برای شنیدن و پذیرش بی‌چون و چرای ایدئولوژیهای حاکمان تربیت میشوند. درچنین نظامهایی با پرهیز از پرورش تفکر انتقادی, آموزش و پرورش بمثابه اهرم رشد و تداوم قوه قهریه حکومت بر مردم ناتوان عمل میکند.اما در نظامهای سیاسی که مبتنی بر مردم سالاری است, شهروندان برای اندیشیدن بصورت انتقادی تربیت میشوند. در نظامهای مردم سالار, تربیت در خدمت خلق ارزشهای مدنی و پرورش شهروندان نقاد, فکور, مشارکت‌جو, فعال, قانونمند, آگاه و بصیری است که ضامن رشد نظام دموکراتیک هستند. در درموکراسی هیچ مرد یا زنی نباید بَرده یا شورشی باشد, بلکه باید شهروند باشد. یعنی فردی باشد که سهم خود و دیگران را نسبت به حکومت بالسویه بداند.بنابراین, تحقق آرمانهای یک نظام دموکراتیک در برقراری عدالت اجتماعی, قانون‌گرایی و سعادت بشر, در سایه تربیت انسانهایی فکور و تحلیل‌گر میسر میشود. مردم در نظام مردم سالار, نباید انسانهایی خنثی در حکومت باشند, بلکه میبایستی شهروندانی باشند منتقد, کنجکاو, جستجوگر و مسئولیت‌پذیر در مسائل اجتماعی و سیاسی.نقش تفکر انتقادی در پیشرفت شغلی و حرفه‌ییتفکر انتقادی و مهارتهای آن همچنین امری ضروری و مؤلفهٔ اصلی در اکثر رشته‌ها و حرفه‌هاست. در واقع, برخورداری از تفکر انتقادی برای موفقیت فرد در شغل و حرفه خویش گریزناپذیر است. کمتر حرفه و شغلی را میتوان یافت که نیاز به مهارتهای تفکر انتقادی نداشته باشد. اگر شخصی دارای تفکر انتقادی و تمایلات انسانی بالاتری باشد, بطور طبیعی در محل کار خویش از نفوذ بیشتری برخوردار خواهد بود و در میان همکاران نیز مقبولتر جلوه‌گر خواهد شد. تفکر انتقادی به افراد کمک میکند تا بمدد دانایی در کارهای خود توانمند و در شغل و حرفه خویش, دارای رفتارهای فراکنشی باشند, در مسائل حرفه یی به تعبیر و تفسیرهای فعلا و ماهرانه بپردازند و از طریق ارزیابی شواهد, روابط و اطلاعات در کار حرفه‌ای خویش تصمیم درستی بگیرند. در حقیقت, از طریق تفکر انتقادی, اشخاص میتوانند با طرح پرسشهای انتقادی و استدلال منطقی در مسائل شغلی خود بطور موفق تصمیم بگیرند.نقش تفکر انتقادی در مواجهه با اطلاعات فزاینده بشریداشتن قابلیت تفکر انتقادی در مواجهه با چالشهای فزاینده دنیای اطلاعات نیز بسیار با اهمیت است. آهنگ سریع تغییرات در همه زمینه‌ها و افزایش مداوم منابع اطلاعات, امروزه افراد را ملزم ساخته است تا بصورت انتقادی بیندیشند.با انفجار اطلاعات, جهان وارد عصر جدیدی گردیده که دانش بشر را به گونه‌یی حیرت انگیز افزایش داده است, دانش تولید شده در طول ۳۰ سال گذشته از جمع کل دانش تولید شده در طی هزار سال قبل از آن فراتر رفته است.انفجار دانش بشری, جهانی شدن و سرعت گرفتن نرخ تغییرات, تحول اساسی را در تعلیم و تربیت افراد جامعه

بسوی تفکر انتقادی موجب شده است. اگر چه امروزه استفاده از فناوریهای متنوع مانند رایانه‌ها, اینترنت و فناوریهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی برای جوانان بسهولت قابل دسترسی است, با این حال آنها برای کار اثر بخش در محیطهای مجازی و پیچیدهٔ امروزی, به مهارتهای تفکر انتقادی نیاز دارنـد. آنها باید قادر باشـند برای برقراری ارتباط, همکاری و کار با دیگران در موقعیتهای نامتجانس از روشـهای پیچیده شناختی استفاده نمایند.در واقع امروزه مردم با اطلاعات فزاینده‌ای مواجه هسـتند که در رادیو و تلویزیونهای دولتی و شبکه‌های خصوصی ماهواره‌یی, در اینترنت, وبلاگ‌هـا و سایتهای مختلف انتشار می‌یابد, بدون داشـتن مهارتهای تفکر انتقادی, مواجه شـدن بـا این حجم بالـای اطلاعات, از نظر سیاسی و ا جتماعی بسیار مضـر و زیان بار اس ت.تفکر انتقادی مبنای آموزش و پرورش رهایی بخشـتفکر انتقادی یکی از مهمترین عناصـر آموزش و پرورش رهایی‌بخش است تا دانش‌آموزان را برای یک جامعه پویا آماده کند. از دیدگاه بسیاری از نظریه‌پردازان, آمادگی برای مشارکت در زندگی شهری و مردم سالار, مبنا و اصل بنیادین در تعلیم و تربیت رهایی بخش محسوب میشود. برای آنکه شـهروندان بتوانند بر خود حکمرانی کنند, باید دارای اندیشه انتقادی باشـند و میبـایست مطـابق اصـول اخلاـقی و ارزشـهای مـدنی تربیت شونـد.نـتیجه گیریـدر دنیـایی کـه تحولاـت سـریع و مخـاطره آمیز و محدودیتهای مزمن, جزو مشخصه‌های زندگی آینده بشر شده است, هیچ گزینه‌یی جز اندیشیدن به صورت انتقادی کارساز نیست. میل و اندیشه انتقادی, یکی از مهمترین ضـرورتها برای رویارو شدن با واقعیتهای دنیای مدرن است. یعنی رهایی از تخیلها و اوهام و توسـل به انـدیشه, عشق و امیـد.تفکر انتقادی در جامعه, افراد را از حالت انفعالی بیرون می‌آورد و به آنهـا مهارتها و تواناییهایی می بخشـد تا بجای تقلیـد کورکورانه از الگوها و پذیرش بی‌چون و چرا والدین, معلمان, سیاسـتمداران و رسانه‌ها, بتواننـد با تمسک به تفکر و اندیشه انتقادی در جستجوی حقیقت و دانایی باشند و هرگز از جستجوی حقیقت و کوشش برای درک پدیده‌های اجتماعی غفلت نورزنـد. تفکر انتقـادی به شـهروندان کمـک میکنـد تـا در مسائل عمومی, داوری هوشـمندانه‌یی داشـته باشـند و بطـور مردم سالارانه در حل مسائل اجتماعی سهیم گردند. درجه علمی نویسندگان:

محمـدرضا نیسـتانی: عضـو هیئت علمی دانشـگاه اصـفهان داوود امـام وردی: کارشناسـی ارشـد http://pac.org.ir/fa/?c=content&id=۱۷۱

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خـدا جهاد نماییـد؛ این برای شـما بهتر است اگر بدانید حضـرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشـهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصـفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلـدادگی به اهلبیت (علیهم السـلام) بخصـوص حضـرت علی بن موسـی الرضـا (علیه السـلام) و امـام عصـر (عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف) شـهره بوده و لـذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسـی بنیانگـذار مرکز و راهی شـد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقـات قـائمیه اصـفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسـی تحت اشـراف حضـرت آیت الله حـاج سـید حسن امامی (قـدس سـره الشـریف) و بـا فعـالیت خالصـانه و شبـانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشـگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف

مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹